



پرونده‌ای برای
تولد حسین منزوی

غزل نان ندارد

شاعری که در اوج
اثرگذاری بر موسیقی
و ادبیات معاصر،
هرگز از دسترنج خود
بهره‌ای نبرد

صفحه ۵

نبود سامانه یکپارچه و گسترش پروازهای چارتری، بازار سیاه بلیت‌فروشی را به معضلی ۳ هزار میلیارد تومانی تبدیل کرده است

پرواز به سمت گرانی

تحریم‌ها و کمبود ناوگان هوایی، تخلفات بلیت‌فروشی را به ابزار بقا و سودجویی بر برخی شرکت‌های هواپیمایی بدل ساخته‌اند

صفحه ۲

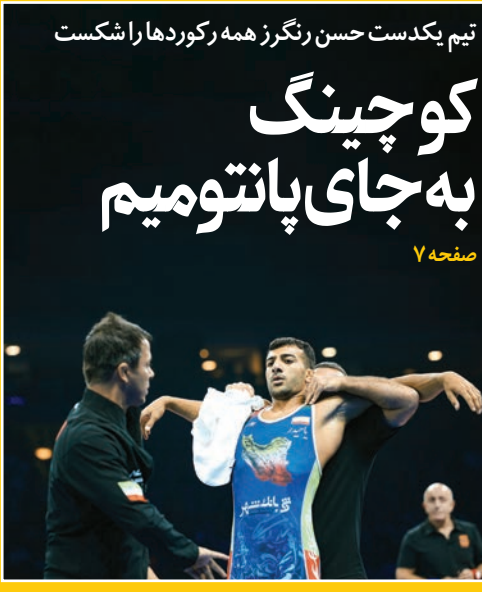
تقابل تازه آمریکا و طالبان بر سر پایگاه بگرام، نماد استقلال افغانستان و ابزار ژئوپلیتیک در معادلات قدرت جهانی

خاک افغانستان

خط قرمز طالبان

چین هشدار می‌دهد باز گشت آمریک‌ها به بگرام، تعارض مستقیم با منافع مردم افغانستان و آینده صلح آمیز این کشور است

صفحه ۳



تیم یکدست حسن رنگرز همه رکوردها را شکست

کوچینگ

به جای پانتومیم

صفحه ۷

یادداشت

هشدارها جهانی‌اند، خطرها واقعی‌اند، اما مدیران اصفهان هنوز نمایش می‌دهند و مردم هر روز شاهد ترک‌های تازه‌اند

نصف جهان نصفه جان شد

محمد عبدالعلی پور
هفت صبح

عصر یک روز پربابیزی، نسیم خنکی در میدان نقش جهان می‌وزد. گردشگران در میان صدای درشکه‌ها و بوی جلوا و گز، مشغول گرفتن عکس‌های یادگاری‌اند. اما در ست همان‌جا که بجایای توپ پلاستیکی‌اش را دنبال می‌کند، ترک باریکی از دل زمین بالا آمده و تا دیوار جنوبی مسجد شیخ لطف‌الله کشیده شده است. کسی آن را جدی نمی‌گیرد، اما این ترک کوچک پیام‌آور فاجعه‌ای بزرگ است: زمین زیر پای نصف جهان آرام و بی‌صدا در حال فرورفتن است. فرونشست، واژه‌ای که تا همین چند سال پیش تنها در گزارش‌های تخصصی دیده می‌شد، امروز به یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای زیست‌محیطی و تاریخی ایران تبدیل شده است. اصفهان، نگین فرهنگ و هنر ایران، امروز با زخمی پنهان اما عمیق دست و پنجه نرم می‌کند. بناهایی که قرن‌ها زلزله، جنگ و هجوم بیگانگان را تاب آورده‌اند، اکنون اسیر دشمنی خاموش و بیرحم‌اند: زمینی که زیر پایشان خالی می‌شود.

کارشناسان می‌گویند شش‌هفت تنه‌ای مسجد امام تا هشت سانتی‌متر انحراف پیدا کرده‌اند. در شبستان مسجد جامع عباسی، کجی ستون‌ها به چشم می‌آید و دیوارهای مسجد سید ترک‌هایی تازه بر داشته‌اند. مسجد علی‌قلی‌ا که سال‌ها به زحمت مرمت شده بود، حالا با زخم‌های تازه‌ای روبه‌روست. میدان نقش جهان، همان قلب تپنده‌ای که تاریخ و هویت ایرانی را به نمایش می‌گذارد، سالانه دو تا سه سانتی‌متر فرو می‌رود. هر میلی‌متر از این نشست، گامی است به سمت فروپاشی تاریخی که دیگر تکرار نمی‌شود.

داریوش اسماعیلی رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور چهارم مردادماه امسال اعلام کرد نرخ فرونشست در دشت اصفهان به ۱۵ تا ۱۸ سانتی‌متر در سال رسیده است. در بخش‌های مرکزی شهر، نرخ بین ۳ تا ۵ سانتی‌متر است، اما همین مقدار هم چند ده برابر آستانه بحران در استانداردهای جهانی محسوب می‌شود. در جهان، اگر جایی بیش از چهار میلی‌متر نشست داشته باشد، بلافاصله وضعیت اضطراری اعلام می‌شود. حالا تصور کنید اصفهان سالانه چندین سانتی‌متر فرو می‌رود و همچنان مسئولان ما «همه چیز تحت کنترل است» را تکرار می‌کنند.

نمی‌توان از فرونشست اصفهان گفت و نامی از زاینده‌رود نیاورد. این رودخانه نه تنها شریان حیاتی شهر، که ستون تعادل خاک بود. قرن‌ها جریان دائمی آن، آبخوان‌ها را تغذیه می‌کرد و لایه‌های زیرزمینی‌ا را مرطوب نگه می‌داشت. اما امروز بستر خشکیده زاینده‌رود بیشتر شبیه زخمی است که بر تن اصفهان حک شده است. جای آن

را صدها چاه عمیق پر کرده‌اند که بی‌محابا سفره‌های آب زیرزمینی را می‌مکنند. خاک تهی می‌شود، لایه‌ها

روی هم می‌لغزند و نتیجه، نشست‌هایی است که حالا در چهره بناها آشکار شده‌اند. افزون بر این، ساخت‌وسازهای بی‌حساب و کتاب در بافت مرکزی شهر، کاهش رطوبت خاک و بی‌توجهی به مطالعات ژئوتکنیک در پروژه‌های جدید، همه بحران را تشدید کرده‌اند. نشستی که در یک منطقه نامتقارن رخ می‌دهد، برای بنای تاریخی فاجعه‌بار تر است؛ زیرا یک‌سو فرو می‌رود و سوی دیگر می‌ایستد، و این یعنی ترک، شکاف و در نهایت فروپاشی.

مسئولان: استادان نمایش

با این همه، رفتار مسئولان در برابر این بحران بیشتر به یک نمایش تکراری شباهت دارد. وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری که باید پرچمدار حفاظت از آثار تاریخی باشد، به وعده‌های رسانه‌ای و اقدامات نمایشی بسنده کرده است. هر بار که خبر تازه‌ای از فرونشست منتشر می‌شود، مدیران در مقابل دوربین حاضر می‌شوند، از تشکیل کارگروه تخصصی می‌گویند و وعده پایش و مرمت می‌دهند. اما وقتی به عمل می‌رسیم، تنها چند گزارش پراکنده و نشست خبری باقی می‌ماند.

بودجه‌ها نیز خود گویای بی‌توجهی‌اند. امیر کرم‌زاده، مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اصفهان در اردیبهشت ماه امسال خبر داد برای مطالعه فرونشست میدان نقش جهان تنها ۲۰ میلیارد ریال اختصاص داده شده است؛ رقمی که حتی برای تقویت یک

یک بنای تاریخی متوسط هم کافی نیست. در حالی که میدان نقش جهان میراث جهانی ثبت‌شده یونسکوست، حفاظت از آن با رقمی ناچیز به حاشیه رانده شده است. از سوی دیگر وزارت نیرو، تقصیر را به گردن کشاورزان می‌اندازد. شهرداری بر اجرای پروژه‌های عمرانی سنگین در دل بافت تاریخی پافشاری می‌کند. سازمان محیط

زیست در گیر گزارش‌های بی‌ثمر است. و میراث فرهنگی، که باید هماهنگ‌کننده و تصمیم‌گیر اصلی باشد، تنها در مراسم افتتاحیه و مقابل دوربین‌ها ظاهر می‌شود. یونسکو بارها نسبت به خطر فرونشست در اصفهان هشدار داده است. در کشورهایی مانند ایتالیا یا مکزیک، وقتی نشستی بیش از چند میلی‌متر مشاهده می‌شود، بلافاصله طرح‌های اضطراری آغاز می‌شود؛ بناها تعطیل می‌شوند، گردشگری محدود می‌شود و پروژه‌های ایمن‌سازی آغاز می‌شود. اما در اصفهان، با وجود نشست‌های چند سانتی‌متری، نه تنها طرح اضطراری نداریم، بلکه مسئولان با خونسردی اعلام می‌کنند «همه چیز تحت کنترل است.» گردشگران همچنان روی کف ترک‌خورده میدان نقش جهان عکس می‌گیرند، بی‌آنکه بدانند زیر پایشان تاریخ در حال فرورفتن است.

نسخه‌هایی که خاک می‌خوردند

کارشناسان سال‌هاست راه‌حل‌ها را روی میز گذاشته‌اند.

محدود کردن برداشت آب زیرزمینی و بستن چاه‌های غیرمجاز، پایش بناها با فناوری‌های نوین مثل اینسار (فناوری اندازه‌گیری جابه‌جایی‌های سطح زمین با دقت میلیمتری با استفاده از رادار) و حسگرهای ترک‌سنج، نقشه‌برداری ریسک فرونشست و الحاق آن به پروانه‌های ساختمانی، تقویت پی‌ها و ایمن‌سازی موقت در نقاط بحرانی، تشکیل حاکمیتی یکپارچه میان میراث فرهنگی، آب، شهرسازی و محیط زیست راه‌حل‌هایی بوده که طی سال‌های اخیر بارها توسط دغدغه‌مندان و کارشناسان این حوزه پیشنهاد شده است.

اما این نسخه‌ها سال‌هاست در کشوهای ادارات خاک می‌خورند. میراث فرهنگی به جای اقدام فوری، همچنان به مرمت‌های سطحی بسنده می‌کند؛ مرمت‌هایی که بیشتر برای عکس گرفتن در مراسم رونمایی مناسب‌اند تا حفاظت از بناها در برابر خطر فرونشست. فرونشست تنها یک مسئله زمین‌شناسی نیست؛ مسئله‌ای هویتی است. اگر طاق‌های پل خواجه‌وور بریزد، اگر مسجد شیخ لطف‌الله ترک بخورد، اگر میدان نقش جهان آسیب ببیند، اصفهان تنها یک شهر را از دست نمی‌دهد؛ ایران بخشی از حافظه تاریخی و فرهنگی‌اش را برای همیشه از دست خواهد داد. این بناها میراث جهانی‌اند؛ گنجینه‌ای که به بشریت تعلق دارد، نه فقط به ما.

اما بحران فقط آثار تاریخی را تهدید نمی‌کند. خانه‌های مردم، مدارس، بیمارستان‌ها، شهرک‌ها و خیابان‌ها نیز در معرض خطرند. شکاف‌ها در ساختمان‌های مسکونی، خطر برای جان ساکنان، افت ارزش املاک، مشکلات زیرساختی و تهدید آینده زیست‌پذیری شهر، همه پیامدهای فرونشست‌اند. و بدتر از همه اینکه اگر آبخوان‌ها یک‌بار برای همیشه تخلیه شوند، هیچ فناوری نمی‌تواند آن‌ها را بازگرداند.

فریاد امروز

فرونشست اصفهان یک بحران آینده نیست؛ همین امروز رخ می‌دهد. هر روز تأخیر، یعنی یک ترک تازه بر دیوار مسجدی، یک لرزش دیگر در سستون پل تاریخی، یک قدم نزدیک‌تر به نابودی. وزارت میراث فرهنگی، اگر امروز دست به کار نشود، فردا حتی بهترین مهندسان مرمت هم چیزی برای نجات نخواهند یافت. تصور کنید وزی را که گردشگری وارد میدان نقش جهان شود و به جای شکه بناها، با خرابه‌ای مواجه گردد. آن روز دیگر هیچ‌کس از ایران و اصفهان به‌عنوان «صف‌جهان» یاد نخواهد کرد. آن روز، میراث جهانی‌ما در فهرست آثار نابودشده ثبت خواهد شد. و تنها چیزی که برآیمان می‌ماند، حسرت و اعتراف به اینکه دیدیم، شنیدیم، اما کاری نکردیم.

گزارش

امروز با آغاز سال تحصیلی؛ محله‌ها و خیابان‌های شهرهای

ایران رنگ مهر و امید به خود می‌گیرند

سلام به فردا

حمیدرضا خالدي | جشن آغاز رسمی سال

تحصیلی امروز در حالی در سرتاسر کشور بر گزار می‌شود که پیش از آن هم جشن جوانه‌ها (مخصوص پایه هفتم) و جشن شکوفه‌ها (مخصوص دانش‌آموزان کلاس اولی) طی چند روز گذشته در سرتاسر کشور بر گزار شده بود. حال‌با در این جشن‌ها، قرار است مراسم آغاز سال تحصیلی به صورتی ویژه و همراه با مراسم‌های خاصی که از سوی ستاد استقبال از مهر تدارک دیده شده؛ بر گزار شود. از سویی برپایی جشن جوانه‌ها برای مقطع هفتم حکایت از آن دارد که آموزش و پرورش امسال نگاه ویژه‌ای به این مقطع دارد کما اینکه کاظمی نیز چندی قبل از سه راهبرد کلان در آموزش متوسطه رونمایی کرد. وی با تأکید بر ضرورت تحرک و هم‌افزایی مدیران استانی، این سه مأموریت را ارتقاء کیفیت آموزشی، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، و مهارت‌آموزی دانش‌آموزان عنوان کرده بود. امسال در حالی مدارس کشور به استقبال سال تحصیلی جدید رفته‌اند که هنوز بسیاری از آنها فرسوده یا نایمن هستند. ضمن اینکه همچنان سرانه فضای آموزشی نیز برای پذیرش بیش از ۱۶،۵ میلیون دانش‌آموز در اکثر استان‌ها و شهرهای بزرگ پایین‌تر از استانداردهای جهانی است. این در حالی است که به گفته علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش این وزار تخانه بنا نگاهی ویژه به این بخش از دانش‌آموزان نگاه می‌کند. همین چند وقت قبل بود که کاظمی، از سه راهبرد کلان برای تحول بنیادین در آموزش متوسطه رونمایی کرد. وی با تأکید بر ضرورت تحرک و هم‌افزایی مدیران استانی، این سه مأموریت را ارتقاء کیفیت آموزشی، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، و مهارت‌آموزی دانش‌آموزان عنوان کرد.

فقر سرانه‌های آموزشی در تهران

کمبود سرانه‌های آموزشی در تهران هم وجود دارد. اینها را محمدصادق معتمدیان، استاندار تهران گفته است و اعلام کرده که براساس آمار حدود ۸۰۰ مدرسه در استان نیازمند توجه ویژه و بازسازی یا مقاوم‌سازی هستند. و گفته وی با مدیریت مجموعه سازمان نوسازی مدارس، تاکنون عملیات احداث بیش از ۲۴۹ مدرسه آغاز شده که شامل سه هزار و ۲۰۰ کلاس درس است و با برنامه‌ریزی صورت گرفته پیش‌بینی می‌شود تا قبل از پایان دولت چهاردهم تهران از محرومیت آموزشی خارج شود و جلوتر از برنامه هفتم توسعه به شاخص ۶.۱

امروز با آغاز سال تحصیلی؛ محله‌ها و خیابان‌های شهرهای ایران

رنگ مهر و امید به خود می‌گیرند

سلام به فردا

همین صفحه



عکس از عبدالرحمن رافتی

فیلم‌ها و پوسترهای خود از روز اول مهر را برای این پویش ارسال کنند تا هر روز به سه نفر، دو چرخه هدیه داده شود. از سویی براساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته از چندی قبل و با همکاری آموزش و پرورش توزیع اقلام آموزشی به مدارس آغاز شده است ضمن آنکه در قالب پویش سلام به آینده، در ۲۵۰ مدرسه نیز جشن‌های شاد و مفرحی بر گزار خواهد شد. در همین راستا به مدراسی که شه‌های دانش‌آموز دارند توجه خواهیم داشت. در جنگ ۱۲ روزه، ۲۶ شهید دانش‌آموز در ۱۷ مدرسه تقدیم به انقلاب شد که به همین مناسبت در این مدارس برنامه ویژه‌ای را در نظر گرفتیم.

🔴 **توزیع ۱۰۰ هزار بسته نوشت افزار به دانش آموزان کم بضاعت**

از هفته گذشته در قالب برنامه «تسیم مهریانی» پویش اهدای ۱۰۰ هزار بسته نوشت‌افزار برای کودکان کمتر برخوردار شروع شده است. در همین راستا هفته گذشته ۲۰ هزار بسته توزیع شده که توزیع باقی آنها نیز ادامه دارد. این دانش‌آموزان کم بضاعت با کمک کمیته امداد و آموزش و پرورش کرد که در بازه زمانی شهر‌های مناطق شناسایی شده‌اند.

طرحی برای دانشجو‌اولی‌ها

برای دانشجو‌یان سال اولی که برای ادامه تحصیل به تهران آمده‌اند نیز در قالب طرح «سلام تهران» برنامه‌های جذابی تدارک دیده شده که از آن جمله می‌توان به برگزاری تورهای گردشگری بازدید از شهر تهران برای آن‌ها اشاره کرد که در بازه زمانی آبان ماه این تورها را با هدف معرفی شهر تهران برگزار خواهیم کرد. برای کسانی که در حوزه‌های علمیه هستند نیز چنین برنامه‌ای داریم. همچنین با همکاری سازمان زیباسازی شهر تهران دیوارهای بیرونی ۶۰ مدرسه را آ‌دین بندی و دیوارنگاری خواهیم کرد و با همکاری سازمان ورزش نیز در ۲۲ مدرسه خیابان‌های ورزش ایجاد خواهیم کرد.

🔴 **استقرار پلیس در ۲۹۹ گره ترافیکی شناسایی شده**

۲۹۹ گره ترافیکی در شهر تهران داریم که عوامل پلیس و ترافیکی شهرداری تهران در این تعداد گره‌ها مستقر خواهند شد. در حوزه خدمات شهری، بازپیرایی فضاهای سبز، درختکاری در مدارس، نظافت معابر منتهی به مدارس و زیباسازی مدارس اقدامات اخیر شهرداری تهران است. چند ویژه برنامه دیگر نیز داریم که اجرای آن در طول سال رقم می‌خورد؛ طرح شهر دار مدرسه داریم که توسط خود دانش‌آموزان مدارس انتخاب خواهند شد. این طرح در سال گذشته اجرا شد و امسال این رویه در ۲۰۰ مدرسه اجرا خواهد شد. شهرداران مدارس با همکاری شهرداران حتی تا ۵۰۰ متر در اطراف مدرسه را تحت نظارت خود داشته و مشکلات آنجا را احصا و به شهردار منطقه اعلام کنند.



چه گروه‌های بورسی بیشتر آسیب می‌بینند؟

در این میان، نمادهایی که در حوزه‌های صادرات‌محور فعالیت دارند، بیشترین آسیب را دیده‌اند. صنایع فلزی، پالایشی، پتروشیمی و بانکی، به دلیل وابستگی به تعاملات بین‌المللی، در معرض بیشترین ریسک قرار دارند. این وضعیت، رفتارهای هیجانی را در بازار تشدید کرده و صف‌های فروش در برخی نمادها شکل گرفته است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که در صورت عدم مداخله حمایتی از سوی نهادهای دولتی با انتشار اخبار مثبت، روند نزولی بازار ادامه خواهد یافت. احتمال ورود صندوق تثبیت بازار با انتشار بسته‌های حمایتی از سوی سازمان بورس وجود دارد اما تأثیر این اقدامات در برابر شوک‌های سیاسی و بین‌المللی محدود خواهد بود.

در چنین شرایطی، سرمایه‌گذاران به سمت دارایی‌های امن‌تر مانند طلا، ارز و اوراق بدهی دولتی حرکت خواهند کرد. این جابه‌جایی نقدینگی، فشار فروش را در بازار سهام تشدید می‌کند و می‌تواند به یک بحران سرمایه‌گذاری تبدیل شود.

در نهایت، فعال‌سازی مکانیسم ماشه، نه تنها یک رویداد حقوقی، بلکه یک شوک روانی و اقتصادی برای بازار سرمایه ایران است. این اتفاق بار دیگر نشان داد که بورس تهران به شدت تحت تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی قرار دارد و بساری حفظ ثبات، نیازمند سیاست‌گذاری هوشمندانه، شفافیت اطلاعاتی و تقویت اعتماد عمومی است. در غیر این صورت، موج خروج سرمایه و افت قیمت‌ها می‌تواند به بحرانی فراگیر در اقتصاد ملی منجر شود.

حرکت پول به سوی دارایی‌های امن‌تر

با فعال‌سازی مکانیسم ماشه و تشدید فضای نااطمینانی در اقتصاد ایران، یکی از نخستین واکنش‌های سرمایه‌گذاران، حرکت به سوی دارایی‌های امن‌تر بوده است. در این میان، بازار طلا به عنوان پناهگاه سنتی سرمایه در دوره‌های بحران، بار دیگر مورد توجه قرار گرفته و شاهد ورود نقدینگی قابل توجهی شده است. افزایش تقاضا برای طلا، هم در بازار فیزیکی و هم در صندوق‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر طلا، نشان‌دهنده تغییر رفتار سرمایه‌گذاران از ریسک‌پذیری به

محافظه‌کاری است. این روند، به‌ویژه در میان سرمایه‌گذاران حقیقی که از افت بازار سهام و نوسانات ارزی نگران‌اند، شدت بیشتری دارد. طلا، با حفظ ارزش در برابر تورم و تحولات ژئوپلیتیکی، اکنون به گزینه اول بسیاری از فعالان اقتصادی تبدیل شده است.

این جابه‌جایی نقدینگی از بازارهای موازی مانند بورس، ارز دیجیتال و حتی بازار مسکن، به بازار طلا، پیامدهای چندلایه‌ای برای اقتصاد دارد. نخست، کاهش عمق نقدینگی در بازار سرمایه است که می‌تواند به افت بیشتر شاخص‌ها و کاهش توان تأمین مالی شرکت‌ها منجر شود. این مسئله در بلندمدت بر رشد اقتصادی و اشتغال نیز اثر منفی خواهد گذاشت. دوم، افزایش قیمت طلا و تشدید تورم انتظاری است؛ ورود نقدینگی به بازار طلا، به‌ویژه در شرایط عرضه محدود، می‌تواند قیمت‌ها را به سرعت افزایش دهد و به افزایش قیمت سایر کالاهای سرمایه‌ای نیز دامن بزند. سوم، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد است؛ وقتی سرمایه‌گذاران به جای ورود به تولید و صنعت، به دارایی‌های غیرمولد مانند طلا پناه می‌برند، چرخه سرمایه‌گذاری واقعی مختل می‌شود و زیرساخت‌های تولیدی کشور تضعیف خواهد شد. چهارم، افزایش نوسانات در بازار ارز و نقدینگی است؛ با خروج سرمایه از بازارهای رسمی و ورود به بازارهای غیررسمی یا فیزیکی، کنترل نقدینگی برای سیاست‌گذار دشوارتر می‌شود و این وضعیت می‌تواند به نوسانات بیشتر در بازار ارز و افزایش فشار بر بانک مرکزی منجر شود.

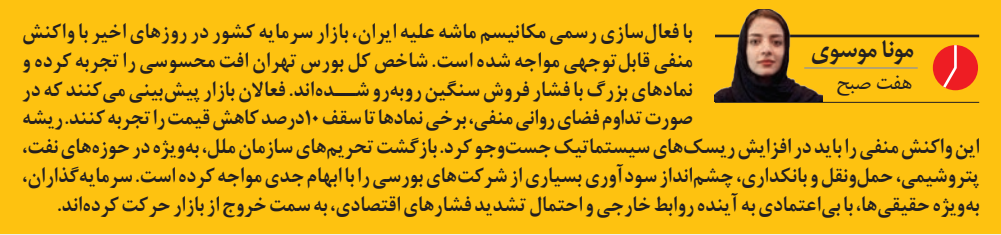
در مجموع، فعال‌سازی مکانیسم ماشه نه تنها یک تهدید حقوقی و سیاسی، بلکه یک محرک

با فعال‌سازی رسمی مکانیسم ماشه علیه ایران، بازارهای مالی کشور وارد فاز جدیدی از بی‌ثباتی شده‌اند. بورس تهران با افت شدید شاخص‌ها مواجه شده، قیمت دلار در مسیر صعودی قرار گرفته و سرمایه‌گذاران به سوی دارایی‌های امن مانند طلا و رمزارزها حرکت کرده‌اند. این تحول، نه تنها بازتابی از فشارهای حقوقی و سیاسی، بلکه نشانه‌ای از بحران اعتماد در اقتصاد ایران است؛ بحرانی که اگر با سیاست‌گذاری هوشمندانه مهار نشود، می‌تواند به رکود تورمی و خروج گسترده سرمایه به منجر شود

گزارش هفت صبح از اثرات فعال‌سازی مکانیسم ماشه که اقتصاد ایران را باموج تازه‌ای از بی‌ثباتی، کاهش اعتماد و خروج سرمایه روبه‌رو می‌کند

ماشه بر شقیقه اقتصاد

بازگشت تحریم‌های سازمان ملل باعث می‌شود که طلا و رمزارزها پناهگاه تازه سرمایه‌گذاران شود و کوچ نقدینگی از بورس به دارایی‌های امن شتاب بگیرد



با فعال‌سازی رسمی مکانیسم ماشه علیه ایران، بازار سرمایه کشور در روزهای اخیر با واکنش منفی قابل توجهی مواجه شده است. شاخص کل بورس تهران افت محسوسی را تجربه کرده و نمادهای بزرگ با فشار فروش سنگین روبه‌رو شده‌اند. فعالان بازار پیش‌بینی می‌کنند که در صورت تداوم فضای روانی منفی، برخی نمادها تا سقف ۱۰ درصد کاهش قیمت را تجربه کنند. ریشه این واکنش منفی را باید در افزایش ریسک‌های سیستماتیک جست‌وجو کرد. بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، به‌ویژه در حوزه‌های نفت، پتروشیمی، حمل‌ونقل و بانکداری، چشم‌انداز سودآوری بسیاری از شرکت‌های بورسی را با ابهام جدی مواجه کرده است. سرمایه‌گذاران، به‌ویژه حقیقی‌ها، با بی‌اعتمادی به آینده روابط خارجی و احتمال تشدید فشارهای اقتصادی، به سمت خروج از بازار حرکت کرده‌اند.

روانی برای تغییر مسیر سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران است. اگر سیاست‌گذار نتواند با ابزارهای اعتمادساز، مسیر نقدینگی را به سمت بازارهای مولد هدایت کند، این روند می‌تواند به یک چرخه معیوب تبدیل شود، چرخه‌ای که در آن سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد، تورم افزایش پیدا می‌کند و اقتصاد در مسیر رکود تورمی قرار می‌گیرد.

اثر مکانیسم ماشه بر بازار ارز

با فعال‌سازی مکانیسم ماشه، بازار ارز ایران بار دیگر در معرض شوک‌های سیاسی و روانی قرار گرفته است. در روزهای اخیر، قیمت دلار در بازار آزاد با نوسانات افزایشی مواجه



اثر مکانیسم ماشه بر بازار ارز

با فعال‌سازی مکانیسم ماشه، بازار ارز ایران بار دیگر در معرض شوک‌های سیاسی و روانی قرار گرفته است. در روزهای اخیر، قیمت دلار در بازار آزاد با نوسانات افزایشی مواجه

اثر مکانیسم ماشه بر بازار ارز

با فعال‌سازی مکانیسم ماشه، بازار ارز ایران بار دیگر در معرض شوک‌های سیاسی و روانی قرار گرفته است. در روزهای اخیر، قیمت دلار در بازار آزاد با نوسانات افزایشی مواجه

بازار تبدیل خواهند شد ساختاری که در آن سود، جایگزین خدمت‌رسانی شده و اعتماد عمومی قربانی می‌شود.

بشت پرده بازار سیاه بلیت‌فروشی

این مسئله، فراتر از نقد گران‌فروشی، به ساختار اقتصادی و انگیزه‌های پنهان شرکت‌های هواپیمایی در شرایط تحریم بازمی‌گردد. در واقع، تخلفات گسترده در فروش بلیت نه صرفاً ناشی از بی‌نظمی یا سودجویی فردی، بلکه حاصل یک مدل اقتصادی معیوب است که در آن شرکت‌های هواپیمایی برای بقا، به روش‌های غیرشفاف و غیرقانونی متوسل می‌شوند.

در شرایطی که تحریم‌ها خرید هواپیماهای جدید، تأمین قطعات و حتی بیمه بین‌المللی را برای شرکت‌های ایرانی دشوار کرده‌اند، هزینه‌های عملیاتی به شدت افزایش یافته و درآمدهای ارزی کاهش یافته‌اند. در چنین فضایی، شرکت‌ها برای جبران کسری نقدینگی، به بازار سیاه بلیت‌فروشی روی آورده‌اند بازاری که در آن عرضه محدود، تقاضای بالا و نبود نظارت مؤثر، زمینه‌ساز سودهای کلان شده است.

برای نمونه در مسیرهای خاص و پرتردد مانند تهران -تفج یا تهران -کیش، شرکت‌ها با مهندسی تقاضا و ایجاد کمبود مصنوعی، قیمت‌ها را تا چند برابر افزایش می‌دهند. این رفتار، اگرچه از منظر حقوق مصرف‌کننده غیرقابل قبول است اما از منظر بقای اقتصادی شرکت‌ها، به یک ابزار درآمدی تبدیل شده است. در واقع، شرکت‌هایی که به دلیل تحریم‌ها از مسیرهای رسمی تأمین مالی محروم‌اند، با استفاده از خلأ نظارتی، مدل درآمدی خود را بر پایه فشار بر مصرف‌کننده بنا کرده‌اند.

این رقم، نه تنها نشان‌دهنده فشار اقتصادی بر مردم، بلکه بیانگر ناکارآمدی نظام نظارت و قیمت‌گذاری در صنعت هوایی کشور است. برای اصلاح این وضعیت، صرفاً برخورد قضایی با واسطه‌ها کافی نیست؛ بلکه باید مدل اقتصادی شرکت‌های هواپیمایی بازنگری شود، مسیرهای تأمین مالی شفاف‌تر گردد و سامانه‌های فروش تحت نظارت مستقیم و لحظه‌ای قرار گیرند. در غیر این صورت، تخلفات نه تنها ادامه خواهند یافت، بلکه به بخشی از ساختار رسمی

حدود ۷۰ درصد از تخلفات بلیت‌فروشی مربوط به پروازهای چارتری است؛ مدلی که به دلیل انعطاف‌پذیری در قیمت‌گذاری و نبود نظارت مؤثر، بستری برای گرانفروشی و احتکار فراهم کرده است. شرکت‌ها با پیش‌خرید ظرفیت پرواز و عرضه نامتوازن بلیت، مسافران را در موقعیت اجبار قرار می‌دهند. ممنوعیت فروش چارتری از سوی وزارت راه، اگرچه گامی مثبت است اما بدون اصلاح ساختار عرضه، شفاف‌سازی سامانه‌های فروش و مشارکت دولت در تخصیص ناوگان، این تخلفات ادامه‌دار خواهند بود و اعتماد عمومی به صنعت هوایی را تضعیف خواهند کرد.

حدود ۷۰ درصد از تخلفات بلیت‌فروشی مربوط به پروازهای چارتری است؛ مدلی که به دلیل انعطاف‌پذیری در قیمت‌گذاری و نبود نظارت مؤثر، بستری برای گرانفروشی و احتکار فراهم کرده است. شرکت‌ها با پیش‌خرید ظرفیت پرواز و عرضه نامتوازن بلیت، مسافران را در موقعیت اجبار قرار می‌دهند. ممنوعیت فروش چارتری از سوی وزارت راه، اگرچه گامی مثبت است اما بدون اصلاح ساختار عرضه، شفاف‌سازی سامانه‌های فروش و مشارکت دولت در تخصیص ناوگان، این تخلفات ادامه‌دار خواهند بود و اعتماد عمومی به صنعت هوایی را تضعیف خواهند کرد.

حدود ۷۰ درصد از تخلفات بلیت‌فروشی مربوط به پروازهای چارتری است؛ مدلی که به دلیل انعطاف‌پذیری در قیمت‌گذاری و نبود نظارت مؤثر، بستری برای گرانفروشی و احتکار فراهم کرده است. شرکت‌ها با پیش‌خرید ظرفیت پرواز و عرضه نامتوازن بلیت، مسافران را در موقعیت اجبار قرار می‌دهند. ممنوعیت فروش چارتری از سوی وزارت راه، اگرچه گامی مثبت است اما بدون اصلاح ساختار عرضه، شفاف‌سازی سامانه‌های فروش و مشارکت دولت در تخصیص ناوگان، این تخلفات ادامه‌دار خواهند بود و اعتماد عمومی به صنعت هوایی را تضعیف خواهند کرد.

رسمی و غیررسمی منجر شود.

از سوی دیگر، خروج نقدینگی از بازارهای موازی مانند بورس و حرکت به سوی ارز و طلا، فشار تقاضا را در بازار ارز افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، اگر بانک مرکزی نتواند با سیاست‌های شفاف، پایدار و هماهنگ، اعتماد عمومی را بازسازی کند، کنترل نرخ ارز به یک چالش ساختاری تبدیل خواهد شد. در مجموع، مکانیسم ماشه نه تنها یک ابزار حقوقی برای فشار بین‌المللی است، بلکه به عنوان یک محرک روانی، می‌تواند مسیر نرخ ارز را از تعادل خارج کند. تلاش‌های بانک مرکزی برای کنترل بازار، اگرچه ضروری و مؤثر در کوتاهمدت هستند، اما در غیاب یک راهبرد جامع اقتصادی و دیپلماتیک، نمی‌توانند مانع از شکل‌گیری موج جدیدی از نوسانات ارزی شوند. چشم‌انداز نرخ دلار در ماه‌های آینده، بیش از هر چیز به توان دولت در مدیریت بحران، بازسازی اعتماد عمومی و ایجاد ثبات در روابط خارجی وابسته خواهد بود.

اثر مکانیسم ماشه بر تریدرهای رمزاری ایرانی

با فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های چندجانبه، یکی از حوزه‌هایی که به‌طور غیرمستقیم تحت تأثیر قرار گرفته، معاملات رمزارزی ایرانی‌هاست. در شرایطی که بازارهای رسمی با فشارهای سیاسی و اقتصادی مواجه شده‌اند، بسیاری از سرمایه‌گذاران به دنبال پناهگاه‌های امن‌تر برای حفظ ارزش دارایی‌های خود هستند و رمزارزها، به‌ویژه بیت‌کوین و تتر، بار دیگر به گزینه‌های جذاب تبدیل شده‌اند.

فعال‌سازی مکانیسم ماشه باعث افزایش ریسک‌های سیستماتیک در بورس تهران شده و نمادهای صادرات‌محور مانند پتروشیمی، فلزات و بانک‌ها با فشار فروش سنگین مواجه شده‌اند. سرمایه‌گذاران حقیقی با نگرانی از آینده، نقدینگی خود را به سمت طلا، ارز و اوراق بدهی دولتی منتقل کرده‌اند. این جابه‌جایی، عمق بازار سرمایه را کاهش داده و می‌تواند به افت بیشتر شاخص‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری مولد و تشدید تورم انتظاری منجر شود

این دارایی‌های دیجیتال، به دلیل ماهیت غیرمتمرکز و قابلیت تسویه‌حساب فرامرزی، در دوره‌های بحران اقتصادی و تحریم، مورد استقبال بیشتری قرار می‌گیرند. افزایش تقاضا برای رمزارزها در میان ایرانی‌ها، به‌ویژه فعالان اقتصادی و صاحبان کسب‌وکارهای بین‌المللی، نشان‌دهنده تغییر رفتار سرمایه‌گذاری از بازارهای رسمی به حوزه‌های دیجیتال است اما این روند با محدودیت‌های فنی و حقوقی نیز همراه است. بسیاری از صرافی‌های بین‌المللی، تحت فشار نهادهای نظارتی غربی، خدمات خود را به کاربران ایرانی محدود کرده‌اند و همین مسئله باعث شده کاربران ایرانی به سمت کیف‌پول‌های غیرمتمرکز، صرافی‌های ناشناس و روش‌های غیررسمی معامله حرکت کنند—که خود ریسک‌های امنیتی و حقوقی را افزایش می‌دهد.

در این میان، سیاست‌گذار داخلی با چالش دوگانه‌ای مواجه است؛ از یک‌سو، استفاده هدفمند از رمزارزها در تجارت خارجی می‌تواند بخشی از محدودیت‌های تحریمی را دور بزند؛ از سوی دیگر، خروج کنترل‌نشده ارز از کشور از طریق پلتفرم‌های رمزارزی، تهدیدی برای ثبات مالی محسوب می‌شود. دولت ایران در سال‌های اخیر تلاش کرده میان این دو رویکرد تعادل ایجاد کند اما با فعال شدن مکانیسم ماشه، احتمالاً شاهد تشدید نظارت‌ها، محدودسازی تراکنش‌ها و تدوین مقررات سخت‌گیرانه‌تری خواهیم بود. چشم‌انداز سیاست دولت در قبال رمزارزها، در سه محور قابل تحلیل است: نخست، افزایش رگولاتوری داخلی با الزام احراز هویت دقیق کاربران و محدودسازی سقف تراکنش‌ها؛ دوم، توسعه پلتفرم‌های بومی تحت کنترل دولت برای رصد جریان رمزارزها و سوم، استفاده هدفمند از رمزارزها در توافقات دوجانبه با کشورهایی مانند روسیه، چین یا ونزوئلا برای تسویه‌حساب‌های تجاری.

در مجموع، فعال‌سازی مکانیسم ماشه نه تنها بازارهای رسمی را تحت فشار قرار داده، بلکه به‌طور غیرمستقیم بر رفتار سرمایه‌گذاران رمزارزی نیز اثر گذاشته است. اگر دولت نتواند میان کنترل خروج ارز و بهره‌برداری از ظرفیت رمزارزها تعادل ایجاد کند، این حوزه نیز به یکی از نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ایران تبدیل خواهد شد نقطه‌ای که در صورت بی‌توجهی، می‌تواند به تشدید نوسانات ارزی و کاهش اثربخشی سیاست‌های پولی منجر شود.

در سال‌های اخیر، تحریم‌ها و ناتوانی شرکت‌های هواپیمایی در نوسازی ناوگان، زمینه‌ساز شکل‌گیری بازار سیاه بلیت‌فروشی شده‌اند. در ایام پرتردد مانند اربعین، تخلفات گسترده‌ای در فروش بلیت‌های چارتری رخ داده که با مهندسی تقاضا و کمبود مصنوعی، قیمت‌ها را تا چند برابر افزایش داده‌اند. نبود سامانه یکپارچه فروش، وابستگی به واسطه‌های غیررسمی و ضعف ضمانت اجرایی نرخ‌های مصوب، این چرخه معیوب را تقویت کرده‌اند. برآوردها نشان می‌دهد ارزش تخلفات سالانه در این حوزه به بیش از ۳ هزار میلیارد تومان می‌رسد

با عنوان «ویژه» یا «لحظه آخری» به‌فروش می‌رسند، در حالی که قیمت آنها چند برابر نرخ مصوب است و هیچ مزیت واقعی برای مسافر ندارد.

در شرایط فعلی، ممنوعیت رسمی فروش بلیت چارتری از سوی وزارت راه و شهرسازی، اگرچه اقدامی مثبت است اما به تنهایی کافی نیست. تازمانی که ساختار عرضه بلیت اصلاح نشود، سامانه‌های فروش به‌صورت متمرکز و شفاف عمل نکنند و ضمانت اجرایی برای نرخ‌های مصوب وجود نداشته باشد، تخلفات در حوزه چارتری ادامه خواهد داشت. این مدل، به جای تسهیل سفر، به ابزاری برای فشار اقتصادی بر مصرف‌کننده تبدیل شده و اعتماد عمومی به صنعت حمل‌ونقل هوایی را تضعیف کرده است.

برای مقابله با این روند، لازم است علاوه بر ممنوعیت، سازوکار جایگزین برای تأمین ظرفیت پرواز در ایام پرتردد طراحی شود؛ به‌ویژه با مشارکت مستقیم دولت در تخصیص ناوگان، کنترل قیمت‌ها و نظارت بر کانال‌های فروش. در غیر این صورت، بلیت‌های چارتری همچنان به نقطه‌ضعف ساختاری بازار هوایی ایران تبدیل خواهند بود نقطه‌ای که سودجویی را جایگزین خدمت‌رسانی کرده و عدالت در دسترسی به حمل‌ونقل را از بین می‌برد.

در حالی که قیمت آنها چند برابر نرخ مصوب است و هیچ مزیت واقعی برای مسافر ندارد. در شرایط فعلی، ممنوعیت رسمی فروش بلیت چارتری از سوی وزارت راه و شهرسازی، اگرچه اقدامی مثبت است اما به تنهایی کافی نیست. تازمانی که ساختار عرضه بلیت اصلاح نشود، سامانه‌های فروش به‌صورت متمرکز و شفاف عمل نکنند و ضمانت اجرایی برای نرخ‌های مصوب وجود نداشته باشد، تخلفات در حوزه چارتری ادامه خواهد داشت. این مدل، به جای تسهیل سفر، به ابزاری برای فشار اقتصادی بر مصرف‌کننده تبدیل شده و اعتماد عمومی به صنعت حمل‌ونقل هوایی را تضعیف کرده است.

برای مقابله با این روند، لازم است علاوه بر ممنوعیت، سازوکار جایگزین برای تأمین ظرفیت پرواز در ایام پرتردد طراحی شود؛ به‌ویژه با مشارکت مستقیم دولت در تخصیص ناوگان، کنترل قیمت‌ها و نظارت بر کانال‌های فروش. در غیر این صورت، بلیت‌های چارتری همچنان به نقطه‌ضعف ساختاری بازار هوایی ایران تبدیل خواهند بود نقطه‌ای که سودجویی را جایگزین خدمت‌رسانی کرده و عدالت در دسترسی به حمل‌ونقل را از بین می‌برد.



یادداشت

تقابل تازه آمریکا و طالبان بر سر پایگاه بگرام، نماد استقلال افغانستان و ابزار ژئوپلیتیک در معادلات قدرت جهانی

خاک افغانستان، خط قرمز طالبان

چین هشدار می‌دهد باز گشت آمریکا به بگرام، تعارض مستقیم با منافع مردم افغانستان و آینده صلح‌آمیز این کشور است



هفت صبح | در روزهای اخیر، کشمکش بر سر پایگاه هوایی بگرام دوباره به صدر اخبار باز گشته است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در دو نوبت متوالی و به فاصله چند روز، خواستار بازپس‌گیری این پایگاه شده و حتی تهدید کرده است که در صورت امتناع طالبان، «توافقات بدی» در پیش خواهد بود.

طالبان اما موضعی قاطعانه اتخاذ کرده است. رئیس ستاد کل وزارت دفاع این گروه تأکید کرده که «توافق بر سر حتی یک وجب خاک افغانستان ممکن نیست» و پایگاه بگرام، به‌عنوان نماد استقلال و تمامیت ارضی این کشور، قابل واگذاری نخواهد بود. در بیانیه رسمی طالبان نیز آمده است که ایالات متحده در توافقتنامه دوحه تعهد کرده بود از زور و تهدید علیه افغانستان استفاده نکند و در امور داخلی این کشور مداخله نداشته باشد. این موضع‌گیری آشکار نشان می‌دهد که طالبان، حتی در صورت ارائه مشوق‌های سیاسی یا اقتصادی، حاضر نیست تجربه حضور نظامی آمریکا در افغانستان تکرار شود.

در این میان، چین نیز به‌سرعت وارد میدان شد و نسبت به تلاش‌های واشنگتن برای بازگشت به بگرام واکنش نشان داد. پکن هشدار داده است که هر گونه افزایش تنش در افغانستان با خواست و منافع مردم این کشور در تضاد است و آینده این سرزمین باید به‌دست افغان‌ها تعیین شود. این موضع‌گیری چین در بجنوبه تلاش‌های آمریکاک، بعد ژئوپلیتیک ماجرا را برجسته‌تر کرده است، به‌ویژه آن که ترامپ نزدیکی بگرام به مناطق حساس هسته‌ای چین را یکی از دلایل اصلی بازپس‌گیری این پایگاه عنوان کرده است.

حضور دوباره آمریکا در افغانستان ممکن است در کوتاه‌مدت به مهار تهدیدهای تروریستی کمک کند، اما در بلندمدت خطر تبدیل‌شدن این کشور به میدان تازه رقابت قدرت‌های جهانی را به همراه دارد

بگرام؛ مهره کلیدی در بازی بزرگ ژئوپلیتیک
تحلیل گران معتقدند تلاش تازه آمریکا برای حضور دوباره در افغانستان صرفاً یک اقدام تاکتیکی نیست، بلکه بخشی از یک راهبرد کلان برای مهار نفوذفرااینده چین و بازطراحی موازنه قدرت در منطقه است. اهمیت بگرام برای ایالات متحده صرفاً به افغانستان محدود نمی‌شود؛ این پایگاه از نظر جغرافیایی موقعیتی منحصربه‌فرد برای نظارت بر چهار قدرت هسته‌ای جهان مشتمل بر چین، روسیه، هند و پاکستان دارد و می‌تواند در معادلات امنیتی ایران نیز نقش آفرینی کند.

پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان در سال ۲۰۲۱، چین توانست نفوذ اقتصادی و زیرساختی خود را از مسیر طرح «کمربند و جاده» گسترش دهد و تا آسیای میانه و خاورمیانه پیشروی کند. بازگشت احتمالی آمریکا به بگرام می‌تواند تلاشی برای ایجاد یک اهرم فشار علیه پکن باشد تا مسیرهای زمینی و تجاری چین در منطقه تحت کنترل یا نظارت واشنگتن قرار گیرد.

به‌علاوه، آمریکا سال‌هاست بر وابستگی چین به مسیرهای دریایی حساس تسلط دارد؛ مسیری که بخش زیادی از تجارت خارجی این کشور از آن عبور می‌کند. حضور دوباره در بگرام می‌تواند مکمل این فشار دریایی باشد و یک راهبرد ترکیبی شکل دهد؛ «کنترل دریا از یک سو و تسلط بر مسیرهای زمینی از سوی دیگر». این سناریو در صورت تحقق، پیامدهای گسترده‌ای برای امنیت و اقتصاد کلر منطقه خواهد داشت و ممکن است رقابت قدرت‌های بزرگ را وارد مر حله تازه‌ای کند.

تعطیل میان ثبات و رقابت قدرت‌ها
با وجود تهدیدهای ترامپ و امنیت منطقه نباید قربانی رقابت ژئوپلیتیک ممکن است. در کوتاه‌مدت به مهار تهدیدهای تروریستی کمک کند، اما در بلندمدت خطر تبدیل‌شدن این کشور به میدان تازه رقابت قدرت‌های جهانی را به همراه دارد. تجربه دو دهه گذشته نشان داده است که هر گونه مداخله خارجی بدون درنظر گرفتن منافع مردم افغانستان، نه تنها به صلح و ثبات کمک نمی‌کند، بلکه می‌تواند تنش‌های داخلی و منطقه‌ای احتمالی را با دشواری جدی مواجه کند.

برخی تحلیل گران بسر این باورند که حضور دوباره آمریکا در افغانستان می‌تواند به یک نقطه عطف در تاریخ منطقه تبدیل شود. اگرچه نمی‌توان نظامی ساخت که دموکراسی و پیشرفت را برای همیشه تضمین کند، اما در شرایط کنونی، هر گونه مداخله خارجی بدون درنظر گرفتن منافع مردم افغانستان، نه تنها به صلح و ثبات کمک نمی‌کند، بلکه می‌تواند تنش‌های داخلی و منطقه‌ای احتمالی را با دشواری جدی مواجه کند.

در نهایت، آینده افغانستان و امنیت منطقه نباید قربانی رقابت ژئوپلیتیک قدرت‌های بزرگ شود. احترام به حق حاکمیت و تصمیم مردم این کشور تنها مسیری است که می‌تواند ثبات پایدار را تضمین کند؛ مسیری که در آن منافع ژئوپلیتیک قدرت‌های جهانی بر سرنوشت ملت افغانستان سایه نیافکند.

تلاش تازه آمریکا برای حضور دوباره در افغانستان صرفاً یک اقدام تاکتیکی نیست، بلکه بخشی از یک راهبرد کلان برای مهار نفوذ فرااینده چین و بازطراحی موازنه قدرت در منطقه است

تصمیم شورای عالی امنیت ملی ایران برای تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در شرایطی اعلام شد که فضای پرورنده هسته‌ای کشور بار دیگر به نقطه‌ای حساس و شکننده رسیده است



در آستانه سفر رئیس‌جمهور به نیویورک و برگزاری نشست حساس با سران تروئیکا، آغاز گفت‌وگوهای عباس عراقچی، وزیر امور خارجه با هم‌تایان اروپایی خود می‌تواند نقطه شروعی برای شکل‌گیری تفاهات مقدماتی باشد

علاوه بر این، نشست‌ها و کمیته‌های تخصصی حاشیه‌ای فرصتی برای طرح ابتکارات ایران در حوزه امنیت منطقه‌ای، همکاری‌های اقتصادی و انرژی فراهم می‌کنند. تهران می‌تواند با ارائه طرح‌هایی برای تقویت امنیت درون‌زا در خلیج فارس و غرب آسیا، تصویر خود را به‌عنوان یک بازیگر مسئول در نظام بین‌الملل تقویت کرده و ادعاهای اسرائیل درباره تهدیدآمیز بودن نقش ایران را به چالش بکشد.

از منظر رسانه‌ای، تعامل موثر با افکار عمومی جهانی می‌تواند فشار بر دولت‌های غربی را برای اتخاذ مواضع متعادل‌تر در قبال ایران افزایش دهد. در شرایطی که برخی دولت‌ها تحت تأثیر تبلیغات منفی علیه تهران قرار دارند، ارائه تصویری واقع‌بینانه و مستند از مواضع و اقدامات ایران می‌تواند در تغییر این فضا نقش موثری ایفا کند.

معادلات شکننده و ضرورت یکپار چگی داخلی
تصمیم برای تعلیق همکاری با آژانس و برگزاری مذاکرات حساس در نیویورک، نشانی می‌دهد که ایران در مقطعی سرنوشت‌ساز قرار دارد. هر گونه موفقیت در این مسیر نیازمند ترکیبی از دیپلماسی هوشمندانه، انسجام داخلی و پرهیز از اقدامات شتاب‌زده است. اختلاف‌نظرهای داخلی یا ارسال پیام‌های متناقض می‌تواند مواضع ایران را در مذاکرات تضعیف کرده و بهانه‌ای برای طرف‌های غربی جهت تشدید فشارها فراهم آورد.

از سوی دیگر، تعامل هماهنگ میان نهادهای امنیتی و دیپلماتیک، به‌ویژه میان شورای عالی امنیت ملی و وزارت امور خارجه، برای مدیریت بحران ضروری است. تنها در صورت وجود این هماهنگی است که می‌توان از ابزار فشار ناشی از تعلیق همکاری با آژانس در مسیر کاهش تحریم‌ها و باز کردن افق‌های جدید دیپلماتیک بهره گرفت.

در نهایت، فرصت نیویورک می‌تواند نقطه عطفی در روابط ایران و غرب باشد؛ فرصتی که اگر با هوشیاری دیپلماتیک، ابتکار عمل رسانه‌ای و اجماع داخلی همراه شود، امکان عبور از بحران تحریم‌ها و کاهش فشارهای بین‌المللی را فراهم خواهد کرد. اما در صورت از دست رفتن این فرصت، خطر جبران اصلی غربی و متحدان منطقه‌ای‌شان قرار خواهد گرفت.



حل واقعی بحران. طرفداران این ایده استدلال می‌کنند که تداوم سخن‌گفتن از دو کشور، امید به آینده‌ای متفاوت را زنده نگه می‌دارد و این تصور را القا می‌کند که روزی روندی سیاسی به نتیجه خواهد رسید. اما در مقابل، گروهی دیگر معتقدند باید واقع‌بینانه‌تر به مسئله نگر بست؛ زیرا در شرایط کنونی اسرائیل بر کل زندگی فلسطینی‌ها تسلط کامل دارد و نظامی را اعمال می‌کند که سازمان‌های حقوق بشری آن را «پارتاید» توصیف کرده‌اند. در چنین ساختاری، سخن گفتن از تقسیم سرزمین و تشکیل دو دولت مستقل، بیشتر شبیه یک آرزوست تا راه‌حلی عملی.

برخی تحلیلگران پیشنهاد می‌کنند که به‌جای تقسیم اراضی، باید به سمت ایجاد یک نظام سیاسی واحد حرکت کرد که در آن حقوق برابر برای همه شهروندان، فارغ از مذهب و قومیت، تضمین شود. اما حتی این رویکرد نیز با پرسش‌های بزرگی مواجه است؛ چگونه می‌توان نظامی ساخت که دموکراسی و پیشرفت را برای همیشه تضمین کند؟ و کنترل کنونی‌کنند در شرایطی که موازنه قدرت به‌طور کامل به سوداسرائیل است، چنین تغییری بیش از آنکه یک سناریو واقع‌گرایانه باشد، به معجزه‌ای بعید شباهت دارد.



است که بدون آماده‌سازی دقیق و انجام مذاکرات مقدماتی در سطوح کارشناسی و وزرا، رسیدن به توافقات مهم در سطوح عالی دشوار خواهد بود. در این چارچوب، رایزنی‌های عباس عراقچی می‌تواند به «چکش‌کاری اولیه» اختلافات و کاستن از پیچیدگی‌های فنی و سیاسی مناقشات منجر شود تا روسای کشورها در نشست اصلی با متنی نسبتاً هموار تر برای مذاکره مواجه باشند.

همچنین این گفت‌وگوهای مقدماتی، فرصت ارزشمندی برای ارزیابی مواضع و خطوط قرمز طرف‌های اروپایی فراهم می‌کند و امکان می‌دهد هیأت ایرانی با شناخت دقیق‌تری از فضای حاکم بر مذاکرات، در نشست سران با راهبردی منسجم و هدفمند حضور یابد. بدین ترتیب، مذاکرات اولیه میان وزرای خارجه، نه صرفاً مقدمه‌ای تشریفاتی، بلکه ضرورتی راهبردی برای تسهیل دستیابی به توافقات پایدار در نشست سران و گامی موثر در مسیر کاهش تنش‌ها و باز شدن مسیرهای تعامل دیپلماتیک ارزیابی می‌شود.

آزمون بزرگ دیپلماسی
تهران امیدوار است با استفاده از ابزار فشار ناشی از تعلیق همکاری با آژانس، در این نشست اروپایی‌ها را متقاعد کند که تمدید حداقل شش‌ماهه مکانیسم اسنپک ضروری است و ادامه فشارها تنها به پیچیده‌تر شدن اوضاع منجر خواهد شد. در مقابل، اروپایی‌ها نیز با نگرانی از افزایش تنش‌ها در خاورمیانه و احتمال خروج کامل ایران از توافقات هسته‌ای، ممکن است انعطاف بیشتری در این مذاکرات نشان دهند.

با این حال، این نشست‌ها در نیویورک آزمونی جدی برای دیپلماسی ایران خواهد بود. اگر تیم مذاکره‌کننده نتواند از فرصت نیویورک به‌طور موثر استفاده کند، امکان کاهش فشارهای بین‌المللی و باز کردن مسیر تعاملات دیپلماتیک فراهم خواهد شد. در غیر این صورت، خطر بازگشت تحریم‌ها و تشدید انزواي ایران بیش از پیش افزایش خواهد یافت.

فرصت‌های رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی در نیویورک

حضور رئیس‌جمهور پزشکیان و تیم دیپلماسی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل تنها به مذاکرات رسمی محدود نمی‌شود. این رویداد با حضور هزاران خبرنگار و رسانه بین‌المللی، بستری کم‌نظیر برای دیپلماسی عمومی فراهم می‌آورد. ایران می‌تواند از این ظرفیت برای ارائه روایت خود از تحولات منطقه، به‌ویژه جنگ ۱۲ روزه و نقش آفرینی تهران در مقابله با تروریسم و حمایت از مردم فلسطین استفاده کند؛ روایتی که در برابر تصویرسازی رسانه‌های جریان اصلی غربی و متحدان منطقه‌ای‌شان قرار خواهد گرفت.



به‌رسمیت شناختن فلسطین توسط این کشورها بیش از آنکه اقدامی عملی برای پایان دادن به خشونت‌ها باشد، پاسخی به فشار افکار عمومی جهانی است

دو کشوری را دوباره زنده کند. بحث درباره راه‌حل دو کشوری سال‌هاست که به‌عنوان کلید صلح در خاورمیانه مطرح می‌شود، اما شواهد میدانی و واقعیات سیاسی نشان می‌دهد که عملی کردن این ایده با موانع جدی روبه‌رو است. تحقیق چنین طرحی مستلزم تداخل منافع قدرت‌های بزرگ و عزم سیاسی جدی بازیگران اصلی است. اما تجربه‌های گذشته نشان داده‌اند که این اراده عملاً بسیار محدود و شکننده است.

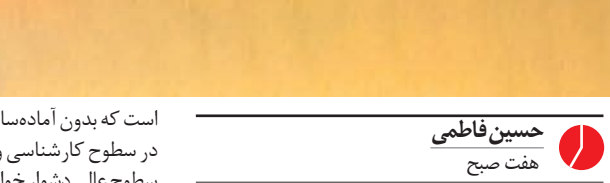
از همین‌رو، برخی تحلیلگران بر این باورند که حتی خود اصرار بر «راه‌حل دو کشوری» بخشی از مشکل است؛ چراکه این شعار اغلب برای پنهان کردن واقعیت‌های تلخ میدانی و آرام کردن خشم فلسطینی‌ها به کار رفته و نه برای حمایت عملی از حقوق فلسطینیان می‌تواند امید به راه‌حل

نیویورک صحنه‌ای سرنوشت‌ساز برای گفت‌وگوهای حساس

ایران واروپا با محور آینده تحریم‌ها و توافقات هسته‌ای

اهرم تهران

اروپا در برابر تصمیم ایران برای تعلیق همکاری با آژانس واکنش محتاطانه‌ای نشان داده است



تصمیم شنبه شب شورای عالی امنیت ملی ایران برای تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در آستانه سفر مسعود پزشکیان به نیویورک و نشست احتمالی او با سران سه کشور اروپایی، نقطه عطفی در معادلات دیپلماسی تهران به شمار می‌رود. این تصمیم در حالی اتخاذ شد که روز جمعه گذشته شورای امنیت سازمان ملل نتوانست قطعنامه کره جنوبی برای تداوم لغو تحریم‌ها علیه ایران را تصویب کند و خطر بازگشت تحریم‌ها و فعال شدن مکانیسم اسنپک بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

اظهاره که تسنیم خبر داده در این میان، قرار است مذاکراتی در سطح وزرای خارجه ایران، آلمان، فرانسه و انگلیس با حضور خانم کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در روز دوشنبه یا سه‌شنبه در نیویورک برگزار شود؛ نشستی که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت پرونده هسته‌ای ایران و آینده تحریم‌ها داشته باشد. تهران با تعلیق همکاری با آژانس، در پی ارسال پیامی قاطع به غرب است تا نشان دهد ادامه فشارها می‌تواند مسیر تعاملات را به نقطه‌ای غیر قابل بازگشت بکشاند. البته تا لحظه تنظیم گزارش این نشست برگزار نشده بود.

با این حال، تحلیلگران باور دارند که تعلیق همکاری تهران و آژانس در آستانه سفر رئیس‌جمهور به نیویورک با ریسک‌هایی جدی نیز همراه است. چرا که این تصمیم می‌تواند از یک سو به‌عنوان اهرم فشار عمل کند و از سوی دیگر، در صورت نبود مدیریت دیپلماتیک هوشمندانه، بهانه‌ای برای غرب جهت تشدید فشارها فراهم آورد. در چنین شرایطی، موفقیت ایران در گسرو بهره‌گیری هوشمندانه از فرصت‌های نشست نیویورک، هم‌افزایی میان تصمیمات امنیتی و دیپلماسی و پرهیز از اقدامات شتابزده خواهد بود.

چکش‌کاری مواضع
در آستانه سفر رئیس‌جمهور به نیویورک و برگزاری نشست حساس با سران تروئیکا، آغاز گفت‌وگوهای عباس عراقچی، وزیر امور خارجه با هم‌تایان اروپایی خود می‌تواند نقطه شروعی برای شکل‌گیری تفاهات مقدماتی باشد. این گفت‌وگوها که پیش از عزیمت رئیس‌جمهور انجام می‌شود، ظرفیت آن را دارد که ضمن تبیین مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران، بستر لازم برای یک نشست با دستور کار روشن و اهداف مشخص را فراهم کند؛ نشستی که در سطح سران که شاید بتواند به نتایج ملموس و توافقات قابل اجرا منتهی شود.

به باور تحلیلگران، تجربه دیپلماسی چندجانبه نشان داده

گزارش

گزارشی از شناسایی کشور فلسطین توسط بریتانیا، کانادا و استرالیا

طلوع فلسطین یا آزمون تو خالی؟

از دیپلماسی تا خیال‌پردازی

هفت صبح | اخیراً سه کشور بریتانیا، کانادا و استرالیا به طور رسمی اعلام کردند که کشور فلسطین را به رسمیت می‌شناسند. این اقدام در بیانیه‌های نخست‌وزیران سه کشور با محوریت صلح و راه‌حل دو کشوری مطرح شده است. کی‌ری استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، به طور مشخص تأکید کرد که جنبش حماس نباید هیچ نقشی در آینده کشور فلسطین داشته باشد و تحریم‌های جدیدی علیه افراد وابسته به این گروه اعمال خواهد شد. او همچنین بر ضرورت آزادی فوری گروه‌گان‌ها و ورود کمک‌های انسانی به غزه تأکید کرد.

با این حال، واقعیت‌های میدانی و جغرافیایی هنوز پیچیده و غیرشفاف است. فلسطین فعلاً به شکل یک کشور واحد وجود ندارد و دو بخش جداگانه غزه و کرانه باختری، به همراه مسئله تعیین پایتخت در بیت‌المقدس، مشکلات جدی برای تحقق راه‌حل دو کشوری ایجاد کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که اقدام اخیر کشورهای غربی بیشتر یک ژست سیاسی و دیپلماتیک است تا اقدامی عملی برای تحقق حقوق فلسطینیان.

ژست غرب در برابر ناکامی در فشار واقعی
تحلیل‌ها نشان می‌دهد که به‌رسمیت‌شناختن فلسطین توسط این کشورها بیش از آنکه اقدامی عملی برای پایان دادن به خشونت‌ها باشد، پاسخی به فشار افکار عمومی جهانی است. دولت‌های اروپایی طی دو سال، با وجود حمایت‌های سیاسی و تسلیحاتی از رژیم اسرائیل، مستلوث جنبایت در غزه را به شکل عملی بر عهده نگرفته‌اند و اکنون با این ژست سیاسی، از پاسخگویی شانه خالی می‌کنند.

ساختار سرزمینی فلسطین، محدودیت‌های معاهداتی و سیاست‌های تناثی‌ها باعث شده‌اند که مسیر عملی برای تشکیل کشور مستقل فلسطینی تقریباً وجود نداشته



رژه آبی بندر ویکتوریا

غول‌های بادی شخصیت‌های محبوب جهانی با حضور یک میلیون بازدیدکننده در هنگ کنگ به نمایش در می‌آیند



رامتین لطفی
دبیر بین‌الملل

استودیوی طراحی هنگ کنگی «همه‌حقوق محفوظ» روز شنبه جزئیات برگزاری رویداد «رژه آبی در بندر ویکتوریا» را اعلام کرد؛ رویدادی که از آن با عنوان «جشنواره فرهنگی – گردشگری بی‌سابقه» یاد می‌شود و با همکاری هنرمندان بین‌المللی حول محور شخصیت‌های فکری بر گزار خواهد شد. این جشنواره از ۲۵ اکتبر در آب‌های نزدیک پارک تمار در منطقه آدمیرالتی آغاز می‌شود و شامل رژه آبی، بازار چه فرهنگی و نمایش مجسمه‌های غول‌پیکر بادی است. لام شو-کام، بنیانگذار استودیو، این جشنواره را «پرش از محدودیت‌های جغرافیایی و برندها» توصیف کرد و گفت: «بازار شخصیت‌های فرهنگی در هنگ کنگ کوچک است اما میزان وفاداری مردم به شخصیت‌های محبوب‌شان عظیم است.» به گفته او، این جشنواره که بر شخصیت‌های فکری تمرکز دارد، حوزه‌ای که ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی هنگ کنگ (معادل ۱۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵) را شامل می‌شود، نمادی از تلاش شهر برای احیای صنعت گردشگری در دوران پساکرونا خواهد بود.

شخصیت‌های غول‌پیکر؛ از لوبو تا دور آمون
در بخش اصلی جشنواره، مجسمه‌های بادی غول‌آسا با ارتفاعی بیش از ۱۰ متر به نمایش درمی‌آیند. این مجموعه شامل «لوبو» (فیلی از آثار لانگ کاستنگ هنرمند هنگ‌کنگی)، «المو» (سنس‌های هنری از شخصیت آمریکایی با چشم‌های ضربه‌دار)، «گریماس» از مک‌دونالدز، «دور آمون» از مانگای ژاپنی، «اسنوبی» و «اردک زرد تولو» خواهد بود. این آثار از ۲۵ اکتبر در آب‌های بندر شاوور می‌شوند و شب‌ها نورپردازی ال‌ای‌دی، رژه‌ای در خنشان رقم می‌زنند؛ نمایشی که از نظر مقیاس با نمایش ۳۰ میلیون دلاری مسکود در سال ۲۰۰۹ مقایسه می‌شود. لام در ادامه تأکید کرد: «این رویداد تنها برای شهروندان محلی نیست، بلکه گردشگران خارجی را نیز جذب خواهد کرد.» پیش‌بینی‌ها حاکی از حضور ۴۵ میلیون بازدیدکننده در سال ۲۰۲۵ است؛ رقمی که از برنامه مشابه سال گذشته ۹ درصد بالاتر است. به گفته بر گزار کنندگان، نمونه‌های مشابه نظیر نمایش «اردک زرد» در سال ۲۰۱۳، بیش از ۸ میلیون بازدیدکننده داشت و حدود ۲۰۰ میلیون دلار به اقتصاد محلی تزریق کرد.

عکس روز

فلسطین بر می‌خیزد

۵ کشور کانادا، استرالیا، بریتانیا، پر تغال و بلژیک تا روز دوشنبه، فلسطین را به رسمیت شناختند



کند، اعلام خواهد شد.

راه‌حل دو کشوری؛ موج تازه جهانی

اهمیت این اقدام زمانی دوچندان می‌شود که بریتانیا، کشوری که در سال ۱۹۱۷ «بیانیه بالفور» را صادر کرد، اکنون فلسطین را به رسمیت شناخته است. دیوید لمی، وزیر خارجه پیشین بریتانیا، در سخنرانی ماه ژوئیه در سازمان ملل یادآور شد که کشورش «مسئولیتی ویژه در حمایت از راهکار دو کشوری» دارد و به مفاد بالفور که شامل تضمین حقوق غیر یهودیان بود اشاره کرد. منطقه فلسطین که از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۴۸ تحت قیمومت بریتانیا اداره می‌شد، همواره موضوعی ناتمام در عرصه بین‌المللی باقی مانده است. با وجود تشکیل رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۸، تلاش‌ها برای ایجاد دولت فلسطینی به دلایل گوناگون ناکام ماند. طرح «راه‌حل دو کشوری» نیز که بر ایجاد کشوری در کرانه باختری و غزه با پایتختی قدس شرقی استوار بود، تا کنون بی‌نتیجه مانده و اسرائیل همچنان به گسترش شهرک‌ها و تصرف اراضی ادامه داده است. با این حال، ابتکار مشترک عربستان سعودی و فرانسه در ماه‌های اخیر بار دیگر این مسیر را فعال کرده و در سازمان ملل مورد حمایت قرار گرفته است. از این رو، وزارت خارجه پادشاهی عربی سعودی

واکنش خشمگین اسرائیل؛ پاداش ترور بیسم؟

این اقدام افشای نقش مقامات اسرائیل را در پی داشت، به طوری که شماری از وزرای کابینه این کشور خواستار الحاق کرانه باختری شدند. بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل، روز یکشنبه در پیامی ویدیویی خطاب به رهبران بریتانیا، استرالیا و کانادا گفت: «هیچ فلسطینی وجود نخواهد داشت.» نتانیا هو همچنین اعلام کرد دولتش شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری اشغالی را گسترش خواهد داد و پاسخ اسرائیل پس از بازگشت او از ایالات متحده، جایی که قرار است با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا دیدار

شناسه آگهی: ۲۰۵۲۳۶ نوبت دوم

آگهی تجدیدفراخوان

اداره کل راه و شهرسازی استان آذربایجان غربی در نظر دارد

فراخوان تجدید مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای			
ردیف	شرح مناقصه	تاریخ انتشار مناقصه در سامانه	مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت
۱	عملیات احداث یک باب مسجد در سایت نهفت ملی مسکن ۱۴۰۰ واحدی شهرستان بوکان	۱۴۰۴/۰۶/۲۹	۱۴۰۴/۰۷/۰۲
مهلت ارسال پیشنهادات			
۱۴۰۴/۰۷/۱۶			
از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیک دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای اطلاعات تماس دستگاه استندگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها به آدرس: ارومیه بلوار شهید بهشتی نرسیده به چهار راه شورا اداره کل راه و شهرسازی تلخ: ۳۳۳۷۸۲۱-۲۵			
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱-۴۱۹۳۴۰۲۱			
دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۸۹۶۹۷۳۸			
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹		تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱	

چهار روز



سفر احمد الشرع، رئیس‌جمهور موقت سوریه و رهبر سابق القاعده، به نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل با موجی از انتقادات و طعنه‌ها مواجه شده است. برخی او را «گرگ در لباس میش» می‌نامند و حضورش را تلاشی برای مشروعیت‌بخشی به گذشته تاریکش می‌دانند. منتقدان نیز این سفر را نمایشی توصیف کرده و هشدار می‌دهند که چهره معتدل او تنها نقابی برای اهداف قدیمی تکفیری است. شبکه‌های اجتماعی هم پر شده از طنزهایی که به جایزه ۱۰ میلیون دلاری آمریکا برای دستگیری‌اش اشاره می‌کنند و از «تغییر لباس او از مجاهد تکفیری به کت و شلوار دیپلماتیک» سخن می‌گویند. مخالفان در عراق نیز با یادآوری اتهاماتش در ارتباط با القاعده و داعش، این سفر را «خیانت به قربانیان جهادگرایی سلفی» خوانده‌اند. حتی در آمریکا، برخی کتابه می‌زنند که این بار رهبران القاعده، نیویورک را با هواپیما هدف قرار نداده‌اند، بلکه با پوشش سختران به این شهر آمده‌اند. این واکنش‌ها نشان‌دهنده شکاف عمیق در پذیرش تحول ادعایی الشرع است.

ینگه دنیا

گرسنگی پنهان، حقیقت مدفون

با کاهش ۱۸۶ میلیارددلاری کمک‌های غذایی، گرسنگی برای ۴۷.۴ میلیون آمریکایی تشدید شد



غذایی را سخت‌تر کرد. دفتر بودجه کنگره تخمین می‌زند این کاهش‌ها ۱۸۶ میلیارد دلار صرفه‌جویی اما در عین حال، ۱.۲ میلیون شنل را تا ۲۰۲۹ حذف کند. از سوی دیگر، تحقیقات ائتلاف مبارزه با گرسنگی نشان می‌دهد این تغییرات، گرسنگی را در جوامع روستایی ۲۵ درصد افزایش می‌دهد، جایی که ۲۰ درصد ساکنان به کمک غذایی وابسته‌اند و این تناقضی آشکار با وعده‌های انتخاباتی ترامپ برای حمایت از «آمریکای فراموش‌شده» است.

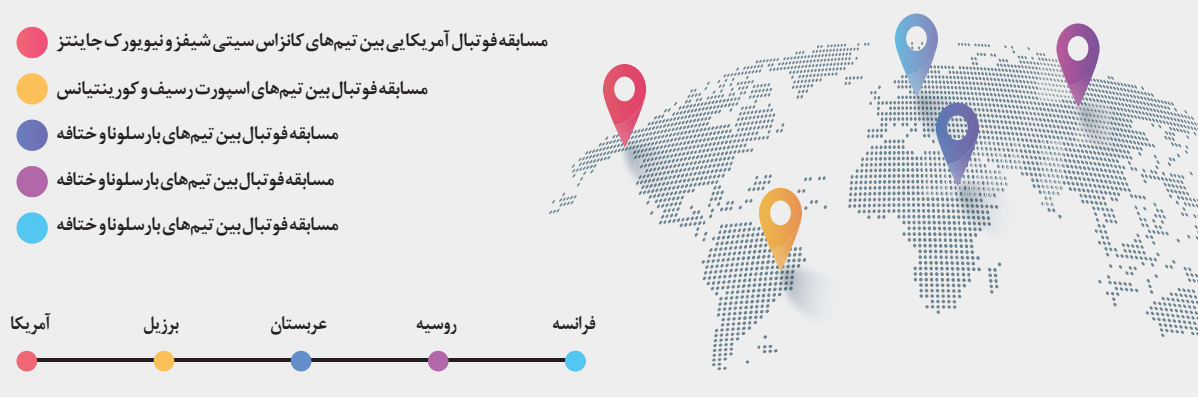
انتقادهای: سانسور حقیقت یا اصلاح؟

منتقدان با شدت به این تصمیم ترامپ و دولتش واکنش نشان دادند. برای مثال، بایو کوگان از مرکز پیشرفت آمریکا نوشت: «ترامپ گزارش گرسنگی را لغو کرد تا افزایش گرسنگی در دوره‌اش پنهان بماند، روشی که دیکتاتورها به کار می‌برند.» کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز آن را فاجعه انسانی خواندند و هشدار داد این تصمیم نظارت بر گرسنگی را مختل می‌کند، در حالی که ۳۷ درصد خانوارها در ۲۰۲۴ در دسته ناامن غذایی قرار گرفته‌اند. همچنین، تحلیل‌های مستقل نشان می‌دهد لغو این گزارش، توانایی سازمان‌های خیریه را برای توزیع غذا، ۳۰ درصد کاهش می‌دهد، زیرا بدون داده، نیازها مشخص نیست.

برش غذایی به معنای کاهش بودجه یا دسترسی به برنامه‌های کمک غذایی مانند برنامه‌ای است که در آمریکا با نام اسنپ شناخته می‌شود و به خوارهای کم‌درآمد کوپن‌های غذایی برای خرید مواد خوراکی ارائه می‌دهد. این برنامه از دهه ۱۹۶۰ برای کاهش گرسنگی و فقر طراحی شده و در سال ۲۰۲۴ به ۴۱.۶ میلیون نفر (۱۲.۴ درصد جمعیت) خدمت‌رسانی کرد. قانون جدید ترامپ که در ژوئیه ۲۰۲۵ تصویب شد، با افزایش محدودیت‌ها مثل بالا بردن سن معافیت و سخت‌گیری در شرایط دریافت، ۳ میلیون نفر را از این مزایا محروم کرد. وزارت کشاورزی آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد گزارش سالانه «امنیت غذایی خانوار در ایالات متحده» که از ۱۹۹۵ گرسنگی را رصد می‌کرد، «بیش از حد سیاسی‌شده» و «براز نادانستی‌ها» است و تا اطلاع ثانوی متوقف می‌شود. این تصمیم دو ماه و نیم پس از امضای قانون «یک لایحه بزرگ و زیبا» توسط ترامپ اجرا و بودجه کمک غذایی را به شدت کاهش داد. وزارتخانه مدعی است سؤالات گزارش «ذهنی» بوده و با کاهش فقر به ۱۰۶ درصد، افزایش دستمزدها و رشد شغلی همخوانی ندارد. اما منتقدان این را تلاشی برای پنهان کردن افزایش گرسنگی می‌دانند؛ گزارشی که در سال ۲۰۲۳ نشان داد ۱۳.۵ درصد خانوارها (۱۸ میلیون) ناامن غذایی بودند و ۵.۱ درصد (۷ میلیون خانوار) «گرسنگی بسیار» را تجربه کردند.

آمار تلخ ۲۰۲۵ – ۲۰۲۴: گرسنگی در حال

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



آنجلینا جولی آمریکا را به رسمیت نمی‌شناسد

ستاره هالیوودی آنجلینا جولی در یک بیانیه تند و تیز، ایالات متحده را به چالش کشید و گفت: «کشور را دوست دارم اما در حال حاضر آن را به رسمیت نمی‌شناسم!» این اظهارات جنجالی، یکشنبه گذشته در جشنواره بین‌المللی فیلم سن سباستین مطرح شد و موج‌هایی از بحث و جدل را در فضای رسانه‌ای برانگیخت. جولی که برای اکران فیلم جدیدش «خیاط» (Couture) به کارگردانی آلیس وینوکور به اسپانیا سفر کرده بود، در کنفرانس مطبوعاتی جشنواره، تگرانی عمیق خود را از وضعیت سیاسی و اجتماعی آمریکا ابراز کرد. این ستاره ۴۹ ساله هالیوود که سال‌ها در عرصه بشر دوستانه فعال بوده، با صدایی لرزان اما مصمم گفت: «همیشه بین‌المللی زندگی کرده‌ام، خانواده‌ام و دوستانم از سراسر جهانند. جهان‌بینی من برابر و یکپارچه است. هر چیزی که تفرقه بیندازد یا بیان و آزادی شخصی را محدود کند، به نظر من خطرناک است.» هر چند جولی نام هیچ فرد یا رویدادی را مستقیماً نبرد اما این سخنان تنها چند روز پس از اخراج جیمی کیمل، مجری محبوب آمریکایی به دلیل شوخی با واکنش دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به ترور چارلی کرک، چهره برجسته محافظه‌کار، ایراد شد. این هم‌زمانی، گمانه‌زنی‌ها را درباره نقد ضمنی جولی به سیاست‌های فعلی واشنگتن و دونالد ترامپ برانگیخته است.

پنج روز



پرونده‌ای برای تولد حسین منزوی

غزل نان ندارد

شاعری که در اوج اثرگذاری بر موسیقی و ادبیات معاصر، هرگز از دسترنج خود بهره‌ای نبرد؛ شعرهایش بر زبان خوانندگان جاری شد، اما معیشتش هرگز رنگ آسایش نگرفت

بابک نبی
هفت صبح

صبح اول مهر، زادروز حسین منزوی است؛ شاعری که غزل‌هایش هنوز در هوای ادبیات ایران می‌چرخند، میان کتاب‌ها و نواها و در ذهن نسلی که با کلمات او بزرگ شد. نامش با غزل پیوند خورده، اما قصه زندگی‌اش بیش از آنکه رنگ و بوی افسانه داشته باشد، ردپایی از واقعیت تلخ و شیرین روزگار شاعر ایرانی است؛ واقعیتی که یک پرسش قدیمی را پیش روی‌می‌گذارد: آیا شاعری می‌تواند شغل باشد؟

را وارد کند. کار او به تعادلی رسید که با استقبال مواجه شد. نکته تلخ این است که در زمان حیاتش، توانمندی‌های او کمتر دیده شد. در حوزه ترانه و تصنیف شهرت داشت، اما در زمینه شعر و نقد ادبی، هرچند در میان اهل ادب شناخته‌شده بود، میان عموم مردم چندان شناخته نشد. درفا که پس از مرگش توجه عمومی بیشتری به او معطوف شد. او بر جنبه معیشتی زندگی شاعر دست می‌گذارد: «گوی شعر، با همه ارجمندی‌اش، حتی به اندازه یکی از مشاغل ساده هم توان تأمین زندگی روزمره را ندارد.»

امینی البته روی دیگر ماجرا را هم می‌بیند: «البته روی دیگر ماجرا هم وجود دارد. شاعری می‌تواند شغل باشد، آنگاه که کسی به نهادهای قدرت و ثروت متصل شود و مدام منویات آنها را در قالب شعرهای شعاری پیاده کند. طبیعی است که از مواهب آن بهره‌مند خواهد شد؛ چه به‌طور مستقیم در برابر شعر پول دریافت کند، چه امتیازات دیگری نصیبش شود؛ پست و مقام، وام‌های کلان، خانه یا زمین سازمانی، تریبون‌های متعدد و برنامه‌های رسانه‌ای. این موارد اغراق نیست.

اما کسی که چنین هم‌راهی‌ای نکند و صرفاً به ادبیات بپردازد - حتی بدون مخالفت مستقیم - از این امتیازات بی‌بهره است و حتی تلاش می‌شود صدایش شنیده نشود. درباره منزوی نیز چنین بود؛ هم زمان حیاتش و هم پس از مرگ. این واقعیت تلخ است که از سرمایه‌های بزرگ هنری و ادبی خود انتظار داشته باشیم هنر و توانایی‌شان را به نفع روایت‌های

روایت یک زندگی میان سنت و نوآوری حسین منزوی، در میانه قرن‌ی ایستاد که شعر فارسی از شکوه کلاسیک خود عبور می‌کرد و در پی یافتن راهی تازه بود. او میراث حافظ و سعدی را می‌شناخت، اما گوشش به صداهای نو هم حساس بود؛ همان صداهایی که نیما یوشیج و پیروانش به شعر آوردند. در شعر او، هم عطر غزل کهن هست و هم جسارت تجربه‌های تازه. شاید راز ماندگاری‌اش همین باشد: پلی که میان دیروز و امروز زده شد. اهل موسیقی هم این پیوند را خوب فهمیدند. غزل‌های منزوی روی لب‌های خوانندگانی چون همایون شجریان و محمدرضا قربانی نشست و به ترانه‌هایی بدل شد که بارها شنیده شدند؛ بی‌آنکه سهم شاعر چندان پررنگ باشد.

غلامرضا طریقی: «منزوی در بدترین زمان ممکن زیست». غلامرضا طریقی، شاعر و دبیر شورای هماهنگی پسادانشت زبان فارسی، نقش منزوی را چنین می‌بیند: «نقش حسین منزوی در شعر امروز، به‌ویژه غزل معاصر، نقشی سهل و ممتنع است. تأثیرش چنان گسترده بوده که از هر زاویه به شعر معاصر نگاه کنیم حضور او را می‌بینیم. او میان سنت و نوگرایی ایستاد و از تلفیق این دو، گونه‌ای تازه از غزل آفرید.» اما طریقی وقتی به بحث اقتصاد شعر می‌رسد، پاسخی روشن دارد: «من خودم کارمند هستم؛ صبح‌ها مثل همه سر کار می‌روم و تنها بعد از ساعات اداری یا در روزهای تعطیل فرصت شاعری دارم. بخشی از شعر امروز شاید بتواند درآمد ایجاد کند، مثل ترانه‌سرایی یا آموزش. اما در زمان منزوی چنین امکانی وجود نداشت. منزوی آدمی مغرور و غیرقابل نفوذ بود. علاوه بر آن، در زمان او رسانه‌های رسمی تنها مسیر ارتباط با مخاطب بودند: نشریات وابسته به دولت یا رسانه‌های اپوزیسیون. منزوی در هیچ یک از این دسته‌بندی‌ها قرار نمی‌گرفت و به همین دلیل هیچ‌گاه مورد حمایت قرار نگرفت. بعدها، با گسترش فضای مجازی و رونق دوباره موسیقی پس از دهه هفتاد، شرایط تغییر کرد. امروز شاعران می‌توانند از راه کلاس‌های آموزشی، کارگاه‌ها یا ترانه‌سرایی بخشی از هزینه‌های زندگی‌شان را تأمین کنند. اما در زمان منزوی چنین فرصتی فراهم نبود. او در بدترین زمان ممکن زیست و همین سبب شد که با وجود استعداد بی‌بدیش، بهره‌ای مادی از هنر خود نبرد.»

اسماعیل امینی: «شعر حتی به اندازه یک شغل ساده، زندگی را تأمین نمی‌کند» اسماعیل امینی، شاعر و استاد دانشگاه، از زاویه‌ای دیگر نگاه می‌کند: «منزوی اصرار داشت که در غزل، علاوه بر سنت‌های کلاسیک، دستاوردهای تجدد

شاعران تور ازین خیل بی‌دردان کسی نتاخت تو مشکلی و هرگز نت آسان کسی نتاخت

حسین منزوی



این‌جا ببینید



است. او در دهه پنجاه و شصت چهره شاخص محافل ادبی بود، اما در زندگی روزمره با دشواری‌های مالی روبه‌رو شد. خانه‌نشینی‌های طولانی، بیماری و نبود پشتوانه مالی باعث شد سال‌های پایانی عمرش به تلخی بگذرد. این واقعیت تنها به منزوی محدود نیست. بسیاری از شاعران نامدار ایرانی، در زمان حیاتشان با دشواری‌های معیشتی دست‌به‌گریبان بودند. سرمایه‌ای فرهنگی بود، اما نه اقتصادی. در روزگار ما که فناوری و صنعت بر همه چیز سیطره یافته، شاعری همچنان هنر اصیل و الهام‌بخشی است، اما کمتر توانسته به منبع درآمدی پایدار تبدیل شود. معدودی از شاعران ممکن است از رهگذر فروش محدود کتاب یا تبدیل شعرشان به ترانه چیزی به دست آورند، اما برای اکثریت، این مسیر بسته است. نبود قانون کپی‌رایت و گسترش پلتفرم‌هایی که آثار را رایگان منتشر می‌کنند، عملاً راهی برای تأمین معیشت باقی نگذاشته است. از همین رو، شاعری بیش از آنکه شغلی باشد، دل‌مشغولی و عشقی است که با واقعیت‌های سخت اقتصادی همواره در جدال است.

امروز و فردا: امید به تغییر؟ با گسترش فضای مجازی، کارگاه‌های آموزشی و پیوند گسترده‌تر شعر و موسیقی، شاید شرایط اندکی تغییر کرده باشد. شاعران جوان امروز می‌توانند از راه کلاس‌ها، ترانه‌سرایی یا حتی شبکه‌های اجتماعی بخشی از هزینه‌هایشان را تأمین کنند. اما هنوز فاصله زیادی تا تبدیل شدن شاعری به «شغل» وجود دارد. شاید بهترین تعریف همان باشد که قیصر امین‌پور در یکی از غزل‌هایش گفت یا این مضمون که: «شاعرم که شاعرم! شاعری که شغل نیست.»

زندگی در کلمات حسین منزوی شغلی نداشت که نامش در فیش حقوقی بیاید. او شغلی نداشت جز «شعر». همان کلماتی که هنوز در کتاب‌ها و بر لب‌ها زنده‌اند. روزگار، مزد نداد؛ اما می‌رانی که گذاشت، فراتر از معاش روزانه است. شاید پرسش «شعر، شغل هست یا نه؟» پاسخ روشنی نداشته باشد. اما یک حقیقت مسلم است: زندگی شاعر در کلماتش ادامه دارد، حتی اگر سرفه‌اش از آن بی‌نصب بماند.

سد فینسک مباحث محیط زیستی و اجتماعی دارد، بنابراین نظر وزارت نیرو این بوده که بند انحرافی ساخته شود و لوله انتقال آب در منطقه مستقر شود. از نظر محیط زیست مجوز این پروژه سال‌ها قبل صادر شده و با در نظر گرفتن مباحث اجتماعی، خود استان هم درخواستش این بوده که گزینه بند انحرافی و خط انتقال را اجرا کند.»

مخزن سد فینسک را منتفی می‌کنیم ترابی به این پرسش که آیا ساخت سد فینسک منتفی شده، این گونه پاسخ می‌دهد: ما هنوز چیزی را منتفی نکردیم اما گویا قرار است چنین درخواستی را بفرستند و اگر بازنگری کنیم، قطعاً مخزن سد را منتفی می‌کنیم. او در واکنش به اعتراضات جامعه محلی به پروژه‌های انتقال آب توضیح می‌دهد: این پروژه اثرگذاری قابل توجهی در پایین دست حوضه آبریز ندارد. در گذشته بحث تأثیر بر آورد سد شهید رجایی و اثرش روی آن سد مطرح بود که اکنون با این تغییرات، همه مسایل قبلی منتفی است. اکنون چیزی حاصل می‌باشد خیلی به آن توجه کنیم، بحث برداشت‌های پایین دست و برداشت آنهایی است که خیلی نزدیک به محل انتقال هستند. در زمانی که مجوز برای پروژه صادر شده بود، به این مسایل توجه شده بود. در این طرح نیازهای محیط زیست هم دیده شده است و اگر بند انحرافی در منطقه اجرا شود، استان مقصد دیگر نمی‌تواند حجم آب مورد نظرش را مشابه زمانی که سد احداث می‌شود، به‌طور کامل منتقل کند، بنابراین موارد مورد نظر جامعه محلی رعایت می‌شود.

آنچه معاون سازمان محیط زیست بر آن تأکید دارد این است که حجم آب انتقالی از مازندران در برابر کل منابع آبی موجود در منطقه بسیار ناچیز است، بنابراین اجرای چنین پروژه‌ای آسایشی به منطقه وارد نمی‌کند اما تجربه نشان داده است که پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای در ایران به بهانه شرب، به ابزاری برای انتقال آب به کویر مرکزی و توسعه نامتوازن در کشور تبدیل شده‌اند و حتی ممنوعیت انتقال بین حوضه‌ای در برنامه هفتم توسعه هم نتوانسته مسئولان استان‌های کویر مرکزی را مجبور کند تا به جای تمرکز بر پروژه‌های تأمین آب، بر اجرای پروژه‌های مدیریت مصرف متمرکز شوند. پروژه‌های مدیریت مصرف در ایران به دلیل پیچیدگی‌ها در اجرا، هیچ‌گاه مورد علاقه برنامه‌ریزان نبوده‌اند در حالی که نیاز جدی امروز ایران به شمار می‌رود.



این‌جا ببینید



شهر پوسیده است و اگر فقط همین لوله‌ها را تعبیر کرده و جلوی هدر رفت آن را بگیرند، آب اضافه می‌آورند. اما گویا مسئولان استان با هدف تبدیل کردن سمنان به پایتخت به دنبال منابع آب جدید هستند و خود را برای روز انتقال پایتخت آماده می‌کنند.

مجوز جدیدی صادر نشده است محمدرضا کنعانی، مدیر کل محیط زیست مازندران نیز در گفت‌وگو با هفت صبح درباره از سرگیری پروژه ساخت سد فینسک یا لوله‌گذاری در منطقه حفاظت شده پرور اظهار منابع آبی البرز است، به این استان منتقل می‌شود و منابع دیگری هم وجود دارد که با هدف تأمین نیازهای ۲۱۷۰ واحد صنعتی ایجاد شده در کویر، به سمنان منتقل می‌شود. البته سال گذشته اداره کشاورزی استان سمنان اعلام کرده است که پنج هزار هکتار همدان کاری کرده؛ بنابراین، آب در سمنان صرف کشاورزی هم می‌شود. «هدت مجوزهای محیط زیستی صادر شده برای پروژه سد فینسک به پایان رسیده است؛ اسلامی می‌گوید که این مجوزها مشکلات فنی و قانونی دارد؛ ولی به دلیل لایه قوی مجریان پروژه، شاهد اجرای چنین طرحی در منطقه هستیم.

پروژه از قبل مجوز داشت صدیقه ترابی معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست هم در گفت‌وگو با هفت صبح بیان می‌کند که پروژه سد فینسک از سال ۱۳۹۱ مجوز داشته اما درباره استقرار لوله در منطقه حفاظت شده پرور اطلاعی نداشته و پاسخگویی درباره دلیل آغاز فعالیت پروژه انتقال آب را به استعلام

حاصل این بررسی‌ها، انتقال کمتر از ۱۰ میلیون متر مکعب آب در سال به سمنان است. با در نظر گرفتن نیاز بلافاصل پایین دست طرح‌ها انجام می‌شود و حالا ترابی معتقد است که با توجه به حجم کم آب انتقالی، مشکلی برای مبدا تأمین آب سمنان ایجاد نخواهد شد

سرانه بالای مصرف آب در سمنان فعالان اجتماعی مازندران و از جمله اسلامی معتقدند که مصرف آب در سمنان بیش از سرانه کل کشور است. آنها با استناد به اعداد و ارقام منتشر شده، مصرف سرانه آب در ایران را تقریباً ۲۲۰ لیتر برای هر نفر در شبانه‌روز می‌دانند در حالی که مصرف سرانه آب در سمنان نزدیک به ۳۷۰ متر مکعب است. به این ترتیب، این استان بیشترین سرانه مصرف آب را دارد و بیشترین میزان انتقال آب را هم انجام داده است. در حال حاضر آب سد نمودر که از منابع آبی البرز است، به این استان منتقل می‌شود و منابع دیگری هم وجود دارد که با هدف تأمین نیازهای ۲۱۷۰ واحد صنعتی ایجاد شده در کویر، به سمنان منتقل می‌شود. البته سال گذشته اداره کشاورزی استان سمنان اعلام کرده است که پنج هزار هکتار همدان کاری کرده؛ بنابراین، آب در سمنان صرف کشاورزی هم می‌شود. «هدت مجوزهای محیط زیستی صادر شده برای پروژه سد فینسک به پایان رسیده است؛ اسلامی می‌گوید که این مجوزها مشکلات فنی و قانونی دارد؛ ولی به دلیل لایه قوی مجریان پروژه، شاهد اجرای چنین طرحی در منطقه هستیم.

اخلال در تأمین نیازهای مردم محلی با انتقال آب

مسئولان سمنان به بهانه اینکه آب شرب ندارند، با نصب ۹ پمپ در چشمه روزه ۱۰۰ لیتر آب در ثانیه را با تونلی ۴۰ متری در دل کوه به سمنان منتقل می‌کنند و به این ترتیب مردم محلی بدون آب باقی می‌مانند. به همین دلیل مسئولان مازندران مجبور هستند که ۲۵ درصد آب سد تجن را به آن بخشی از تالر در چشمه روزه بدهند که با انتقال آب آن به خارج از مازندران، خشک شده و مردمش دسترسی به آب ندارند.

مسئولان استان سمنان حتی در برنامه‌هایشان تصمیم دارند که از سد گلورد و کیسلیان هم آب به استان‌شان منتقل کنند. به این ترتیب سمنان روی تمام منابع آبی البرز از گرگان تا نمودر و فیروزکوه به بهانه کمبود آب شرب دست گذاشته در حالی که مصرف در این استان یک و نیم برابر مصرف سرانه کل کشور است.

به اعتقاد اسلامی با توجه به میزان آبی که مردم سمنان از منابع مختلف مثل چاه‌ها، سدها و غیره دریافت می‌کنند، بیش از نیاز شرب، آب در اختیار دارد. ضمن آنکه رقم هدر رفت آب در سمنان بالاست چون لوله‌های این

اعلام هشداری به مازندران‌ها خدا حافظی با سد فینسک انتقال بین حوضه‌ای به قوت خود باقی است

لایلمرگن
هفت صبح

شواهد نشان می‌دهد که تلاش دو دولت قبل برای توقف اجرای پروژه سد فینسک بی‌نتیجه مانده و پیمانکاران در منطقه حفاظت شده «پرور» سخت مشغول کارند تا خط انتقال آب به سمنان را در دولت چهاردهم، به پایان رسانند. همزمان صدیقه ترابی معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست از طرحی جایگزین در وزارت نیرو سخن می‌گوید که به‌طور کلی ساخت مخزن پر حاشیه سد فینسک را منتفی خواهد کرد، اما انتقال آب بین حوضه‌ای از مسیر ایجاد بند انحرافی را به قوت خود باقی می‌گذارد.



و تحرکات اخیر و تخلیه لوله برای اجرای پروژه انتقال آب، نشان می‌دهد که گویا باز هم سدسازان پیروز شده‌اند.

ماجرا چیست؟ حسین اسلامی فعال اجتماعی مازندران که سال‌هاست در این حوزه فعالیت داشته در گفت‌وگو با هفت صبح درباره آخرین وضعیت اجرای پروژه انتقال آب از سد فینسک به سمنان می‌گوید در فاصله به شهادت رسیدن آقای رئیسی و روی کار آمدن آقای پزشکیان و تقریباً در ۶ ماهه آخر ۱۴۰۳، برای اجرای این پروژه ۶ مناقصه برگزار شده است. «در دولت سیزدهم رئیس‌جمهور دستور داده بود که دست نگه دارند و سد فینسک را اجرا نکنند. در مجلس مفصلی تأمین نیازهای شرب شد و قرار بود کارشناسان از ابتدا مسئله را بررسی کنند زیرا حرف و حدیث‌هایی درباره

اهالی مازندران در روزهای پایانی تابستان شاهد تخلیه لوله در اکوسیستم شکننده منطقه حفاظت شده پرور واقع در البرز شرقی بودند. این اقدام زنگ خطر را با دیگر برای مردم استانی که به تازگی به جمع استان‌های دارای تنش آبی و فرونشست پیوسته، به صدا درآورد. لوله‌های تخلیه شده در منطقه حفاظت شده استان همجوارشان یعنی سمنان این نوبت را به آنها می‌دهد که قرار است باز هم شاهد اجرای یک پروژه انتقال آب بین حوضه‌ای به بهانه تأمین نیازهای شرب استانی در کویر مرکزی باشند. از مدت‌ها پیش قرار بود سد فینسک در نزدیکی روستای تلاجیم، بسر روی رودخانه سفیدرود که از سرشاخه‌های تجن است، ساخته شود و آب پشت این سد در راستای تأمین نیازهای شرب سمنان به این منطقه منتقل شود. این طرح مورد مخالفت فعالان محیط زیست قرار گرفت



معرفی یک ورزش همگانی، کم هزینه و بین المللی ناشناخته

«پتانک» ورزش تازه محبوب شده‌ای برای همه ایرانی‌ها

این ورزش به خصوص نزد شهروندانی که به هر دلیل توانایی وبنیه جسمانی مثل دیگران را ندارند، محبوبیت خاصی دارد



مینا هرومزی

هفت صبح

تصور کنید در یک عصر دلنشین، چند نفر دور هم جمع شدید روی یک زمین خاکی یا شنی. یکی یک توپ کوچک و بامزه به اسم «ژاک» (یعنی همان توپ هدف) را پرت می کند جلو. حالا همه بازیکن‌ها باید توپ‌های فلزی خودشان که به آنها «بول» می گویند را بطوری پرتاب کنند که تا جایی که می شود به ژاک نزدیک تر بشود. حالا جذابیت ماجرا اینجاست که می توانید خیلی ظریف توپتان را بچرخانید و درست کنار ژاک بنشانید و یا شیطنت کنید و توپ حریفان را با یک ضربه قشنگ بزیند و دورش کنید!این یک بازی نوتنی است و آخر هر دور، هر بازیکنی که توپ‌هایش از حریف به ژاک نزدیک تر باشد، امتیاز می گیرد. بازی همین‌طور ادامه پیدا می کند تا یکی از تیم‌ها به عدد جادویی ۱۳ امتیاز برسد.

اینه‌بخش‌هایی از بازی جذابی هستند که گرچه در دنیا سابقه یک قرنی دارد اما در کشور ما ورزشی تقریباً نوپا محسوب می شود. ورزشی به نام بازی «پتانک». حالا چرا پتانک دوست داشتنی است؟ زیرا هیچ سن و سالی مانع از انجام آن نیست؛ از بچه تا افراد پیر می توانند بازی کنند و خیلی راحت هم در وسط یک پارک یا در حیاط خاکی بسازی کنید، هم رقابتی است هم پر از خنده و شوخی با جمع‌های دوستانه.

تاریخچه بازی پتانک

بازی پتانک یک داستان بامزه هم پشت‌پیدایش دارد؛ حدود ۱۰۰سال پیش در جنوب فرانسه (شهر کوچک لاسیوتا در منطقه پروانس)، مردم یک بازی قدیمی به اسم «ژولپونه» انجام می دادند که در آن بازی باید همراه با توپ‌های فلزی می دویزند و پس از طی کردن چند قدم پر شتاب آن را پرتاب می کردند تا به توپ هدف نزدیک بشود. با این حال، یکی از بازیکن‌ها که از ناحیه پاها دچار مشکل بود و نمی توانست بدود، ناراحت بود که نمی تواند مثل بقیه بازی کند. دوستانش برای اینکه او هم بتواند بازی کند، بازی را ساده تر کردند که دیگر لازم نیست بازیکن بدود، بلکه فقط باید پاها را ثابت در یک دایره بگذارد و از همانجا توپش را پرتاب کند. از همین جا اسمش شد پتانک یعنی «پاهای کاشته شده» یا «پاهای ثابت». این تغییر باعث شد تا بسیاری از افرادی که دچار ضعف جسمی بودند و نمی توانستند زیاد بدوند یا ورزش سنگین

انجام دهند، به این بازی یا ورزش روی آوردند. کم کم این سبک ساده و دوستانه، خودش یک ورزش مستقل شد و به سرعت در فرانسه و بعدش در کل دنیا پخش شد.

وضعیت بازی پتانک

وضعیت بازی پتانک در حال حاضر در ایران و جهان نسبتاً خوب و در حال گسترش هم از نظر شرکت کننده‌ها و هم از نظر رقابت‌های رسمی است.

در فدراسیون بین المللی پتانک (FIPJP) حدود ۹۰ کشور عضویت دارند و صدها هزار بازیکن دارد. بازیکنانی که اکثر آنها را همان شهروندانی تشکیل می دهند که قادر نیستند به ورزش‌های سنگین بپردازند، گرچه جذابیت این بازی به حدی است که بسیاری از شهروندان و حتی ورزشکاران دیگر رشته‌ها نیز به سمت آن متمایل شده‌اند. مسابقات جهانی پتانک هر دو سال برگزار می شود و شامل بخش‌هایی برای مردان، زنان و جوانان است. کشور‌های مختلفی در آسیا، آفریقا، اروپا و کشور‌های فرانسوی زبان از این بازی استقبال خوبی کردند.

پتانک در ایران

در ایران هم این بازی سازمان و فدراسیون مخصوص به خودش را دارد که در همدان مستقر است. در سال ۲۰۲۵، شانزدهمین دوره مسابقات ملی پتانک و بولز ایران برگزار شد که برای انتخاب تیم‌های ملی مردان، زنان و جوانان بوده است. در این رقابت‌ها از ۲۳ استان شرکت داشته‌اند و مدال‌آوران از ۹ استان در رشته رقابتی مختلف بوده‌اند؛ این نشان می دهد این بازی در استان‌های متنوع گسترش پیدا کرده است. البته فدراسیون ایران دارد تلاش می کند که امکانات و ساختار را برای برگزاری مسابقات بهتر فراهم کند. محل برگزاری‌های ملی معمولاً در تهران یا مجموعه‌های بزرگ ورزشی مثل آزادی است. ضمن آنکه انجمن بیماری‌های خاص نیز نقش موثری در توسعه این ورزش داشته و دارد و بسیاری از اعضای این انجمن، هم ایک جزو نام‌آوران این ورزش در کشور و حتی در عرصه بین المللی هستند.

چالش‌ها و نقاط قوت

البته این بازی نقاط قوت و چالش‌هایی هم دارد، از نقاط قوت آن می توان به جذابیت اجتماعی زیاد، کم هزینه بودن، عدم نیاز به فضای پیچیده است که سنین مختلف را هم دربر می گیرد. در ایران هم زیرساخت‌ها کم کم در حال افزایش است و حضور در رقابت‌های بین المللی و اعزام تیم‌ها در سطح آسیا و جهان بیشتر می شود.

اما هنوز هم زیر ساخت‌های ضعیف از مهمترین چالش‌های

از نقاط قوت این ورزش می توان به جذابیت اجتماعی زیاد، کم هزینه بودن، عدم نیاز به فضای خاص و تجهیز شده آن اشاره کرد که سنین مختلف می توانند در آن شرکت کنند. اما هنوز هم زیر ساخت‌های ضعیف از مهمترین چالش‌های این بخش است. برای مثال تعداد باشگاه‌ها، زمین‌های استاندارد و تجهیزات کامل در همه استان‌ها به اندازه کافی نیست. از سویی این ورزش هنوز در کشور ما آنگونه که باید و شاید شناخته شده نیست و ممکن است؛ بسیاری از مردم هنوز اسمش را هم نشنیده باشند و دقیق ندانند چگونه و کجا می شود این ورزش و بازی را انجام داد.

این بخش است. برای مثال تعداد باشگاه‌ها، زمین‌های استاندارد و تجهیزات کامل در همه استان‌ها به اندازه کافی نیست. از سویی این ورزش هنوز در کشور ما آنگونه که باید و شاید شناخته شده نیست و ممکن است؛ بسیاری از مردم هنوز اسمش را هم نشنیده باشند و دقیق ندانند چگونه و کجا می شود این ورزش و بازی را انجام داد.



برق را داشته باشد.

چیزهای بفرشویم؟

پس از ثبت نام و تأیید مدارک متقاضی نصب پنل خورشیدی، اداره برق نسبت به احراز مالکیت محل نصب و سقف ظرفیت انشعاب اقدام می کند و مجوز اولیه صادر می شود. پس از آن بین شرکت توزیع برق با متقاضی قرارداد ۲۰ساله خرید برق به قیمت تضمین شده توسط دولت امضا می شود. پس از آن پیمانکار، تعیین می شود تا کار را شروع کند، پس از نصب و راه اندازی، پیمانکار، موضوع را به شرکت برق اطلاع می دهد تا نسبت به قرائت کنتورها اقدام کند و صورت حساب صادر شود. البته اگر برق تولیدی را خودتان مصرف کنید، برق تان رایگان است و مازاد آن را دولت می خرد. با این حساب برای فروش برق مازاد، باید نیروگاه خانگی تان قابلیت اتصال به شبکه سراسری

شیوه گرفتن مجوز

اما احداث نیروگاه‌های خانگی نیز مانند همه موارد اینچنینی نیاز به کسب مجوز از وزارت نیرو دارد. برای همین متقاضیان باید به اداره برق منطقه شان مراجعه و درخواست خود را ثبت کنند یا به صورت آنلاین از طریق مراجعه به سایت شرکت ساتبا به نشانی satba.gov.ir این کار را انجام دهند. البته متقاضیان باید مالک باشند و اگر هم زمینی دارند که برق ندارد، کافی است سند مالکیت و کارت ملی مالک را ارائه دهند و اگر هم می خواهید روی پشت بام، پنل‌ها را نصب کنید، قبض برق را همراه داشته باشید.

میزان مساحت مورد نیاز

برای نصب یک نیروگاه ۵کیلووات ساعتی، دست کم ۵۰ تا ۶۰مترمربع مساحت مفید لازم است، چرا که هر کیلووات ساعت، ۱۰ تا ۱۳مترمربع مساحت مفید نیاز دارد. البته زیاد هم نگران نباشید چرا که می شود روی دیوارها و حیاط خانه هم پنل نصب کرد. گرچه در یک برآیند کلی، یک پنل خورشیدی با ظرفیت یک کیلووات در اغلب نقاط جغرافیایی ایران سالانه بین ۱۵۰۰ تا ۲هزار کیلووات ساعت برق تولید می کند. به عبارتی یک نیروگاه خانگی ۵ کیلوواتی سالانه حدود ۹۰۰۰ کیلووات ساعت برق تولید خواهد کرد.

نیروی گاهی با ۲۵۰ میلیون تومان

بعد از کسب مجوزها و بررسی موارد فنی نوبت به برآورد



و پنجه نرم می کنند، می توانند در کنار یکدیگر، به این ورزش بپردازند. این ورزش انجمنی هم دارد و زیر مجموعه بولینگ و بیلارد است و اعضای منتخب تیم ملی کشور نیز به مسابقات بین المللی اعزام می شوند. اما در محبت بیماری‌های خاص متأسفانه فقط افراد با پیوند اعضا می توانند در مسابقات جهانی بازی کنند و بیماری‌های دیگر پشتیبانی نمی شود. البته این موضوع نه فقط در ایران بلکه در دنیا به اینگونه است.

این بازیکن، با بیان اینکه پیشنهاد من این است که آموزش پتانک از مدارس آغاز شود، اشار‌های هم به هزینه‌های این ورزش می کند و تصریح می کند: هزینه‌های پتانک مختص باشگاه و توپ آن است. چون گوی‌های آن، توپ‌های اصل فرانسوی گرانی است که قیمت آنها از ۲۰ میلیون تومان به بالاست که آنهم به دلیل بالا رفتن قیمت دلار است و گر نه قیمت جهانی آن زیاد نیست. اما برای آموزش، می توان از توپ‌های چینی با قیمت هر ۳ عدد ۳ میلیون تومان استفاده کرد.

بازیکنی با سابقه می افزاید: پتانک بازی همه اقشار است که از یک بچه ۸ ساله تا ۹۰ سال می توانند آن را بازی کنند و محدودیتی ندارد. حتی می توان گفت که این بازی یک بازی خانوادگی است که همه اعضای خانواده چه مرد و زن می توانند در کنار هم بازی کنند. این ورزش کاملاً مبتنی بر تمرکز است. بازیکن در رینگ فقط به دو چیز فکر می کند، تویی که در دست دارد و توپ هدف. بنابراین به حواس بسیار وی با ذکر اینکه این ورزش به گونه‌ای است که بسیاری از افرادی که بنیه قوی ندارند یا از یک بیماری خاصی رنج می برند هم می توانند در آن شرکت داشته باشند

می گوید: این بازی به من کمک می کند تا تمرکز بهتر و بیشتری داشته باشم. ضمن آنکه همه اقشار جامعه اعم از افراد سالم و افرادی که با بیماری‌های خاص دست

✓

یک بازیکن قدیمی پتانک: این بازی به من کمک می کند تا تمرکز بهتر و بیشتری داشته باشم. ضمن آنکه همه اقشار جامعه اعم از افراد سالم و افرادی که با بیماری‌های خاص دست و پنجه نرم می کنند، می توانند در کنار یکدیگر، به این ورزش بپردازند.

>

نصب یک نیروگاه ۵کیلووات ساعتی، دست کم ۵۰ تا ۶۰مترمربع مساحت مفید لازم است، چرا که هر کیلووات ساعت ۱۰ تا ۱۳مترمربع مساحت مفید نیاز دارد

>

یک نیروگاه خورشیدی ۵کیلوواتی با دلار ۱۰۰هزار تومانی حدود ۲۵۰ میلیون تومان هزینه دارد. به گفته مسئولان پیشرفت‌های اخیر به پرداخت کامل سرمایه گذاری اولیه از سوی خانوارها نیازی به پرداخت کامل سرمایه گذاری نیست و تا ۸۰ درصد هزینه‌ها از طریق تسهیلات بانکی می تواند راهکار مناسبی برای تأمین برق مورد نیاز کشور، چه در بخش خانگی و چه در بخش صنعتی باشد.



راهنمای عملی و گام به گام ساخت نیروگاه برق خانگی

نیروی خورشید بر بام خانه‌ها

۳۰۰ روز آفتابی، فرصت طلایی برای سرمایه گذاری و سودآوری در برق خورشیدی

به نظر می رسد که دولت به دنبال آن است تا با ایجاد پنل‌های خورشیدی روی پشت بام ساختمان‌ها و احداث نیروگاه‌های ۵ کیلوواتی در جهتی حرکت کند که خانواده‌ها هم برق مورد نیازشان را تولید کنند و هم برق مازادشان را به دولت بفروشند. این سیاست از آن جهت می تواند حائز اهمیت باشد که ایران با داشتن ۳۰۰ روز آفتابی ظرفیت خوبی را برای توسعه نیروگاه‌های خورشیدی دارد. برای تحقق این سیاست قرار است بسته‌های تشویقی نیز برای کسانی که داوطلب احداث چنین نیروگاه‌هایی در بام‌های خود هستند، در نظر گرفته شود گرچه با گذشت چندماه هنوز جزئیات این طرح ملی و فراگیر و البته مدل‌های سرمایه گذاری و مشوق‌ها اعلام نشده است.

ضرورت احداث نیروگاه‌های کوچک مقیاس در جنگ ۱۲روزه، بیش از پیش مشخص شد، چرا که در جنگ ۱۲روزه یکی از اهدافی که به طور مکرر مورد حمله

اسرائیل قرار گرفت زیرساخت‌های انرژی به ویژه شبکه برق بود تا جایی که رجبی مشهدی، مدیرعامل شرکت مادر تخصصی توانیر نیز گفته بود که بارها در طول این جنگ شبکه برق و ساختمان شرکت توانیر نیز چندین بار هدف حمله وحشیانه قرار گرفت و خسارت جدی دید.

همچنین جعفر محمدنژاد سیگاردی، معاون سرمایه گذاری سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر ایران نیز گفته است: هدف دولت این است که با ترکیب روش‌هایی مانند کمک صندوق‌ها، مشارکت بانک‌ها، آورده شخصی یا در قالب تعاونی‌های حمایتی با پشتیبانی دولت یا بخش خصوصی، مدل‌های متنوع و قابل اجرا ارائه دهیم. در همین راستا عباس علی آبادی،

قیمت برق خورشیدی

در صورت احداث نیروگاه به صورت متصل به شبکه می توان برق تولیدی را در زمان اوج تقاضای بار به شبکه برق با نرخ پایه تضمینی ۳۸۲۰تومان در هر کیلووات ساعت به فروش رساند و از این طریق هزینه سرمایه گذاری را جبران کرد. همچنین در صورت تجهیز به سامانه ذخیره سازی، مشترک می تواند حتی در ساعات شش با هنگام بروز ناترازی برق از تأمین برق پایدار برخوردار باشد؛ یک سامانه با دو ساعت ظرفیت ذخیره سازی می تواند بخشی از نیاز روزانه مشترکان را در شرایط قطع برق برطرف کند. ضمن آنکه فناوری نیروگاه‌های خورشیدی به بلوغ رسیده و عمر مفید پنل‌ها به حدود ۲۰ سال می رسد. آنهم با گارانتی معتبر.

علی علیپور؛ارتش یک نفره سرخ!

خريد های جديد پرسپوليس، هاشميان راواردليست سياه کرد

حتما وارد مذاکره می‌شویم. مذاکرات در همه جای دنیا وجود دارد ولی مسابقه کیفیت داریم نه مسابقه بازیکن گرفتن!»

این مصاحبه نه‌تنها کمکی به رضا درویش نکرد بلکه وحید هاشمیان را هم وارد بلک لیست هواداران پرسپولیس کرد!

نیم‌نگاهی به خریدهای این فصل پرسپولیس نشان می‌دهد؛ نه تیوی بیفوما، نه محمدامین کاظمیان، نه مارکو باکیچ و نه مجتبی‌فراخی و ... نتوانسته‌اند به قبول فوتبالی‌ها کار در بیاورند و فقط حساسیت

هواداران را نسبت به وحید هاشمیان بیشتر کردند. شاید یک مقدار پیام نیازمند خیال پرسپولیسی‌ها را از درون دروازه راحت کرده باشد اما هنوز هم کلیددار بازی‌های این تیم قدیمی‌ها هستند.

علی علیپور ارتش تک نفره پرسپولیس تمامی گل‌های این فصل تیمش را به تنهایی زده و بازیکنان تازه وارد فقط در شادی‌های گل او شرکت کرده‌اند!

وحید هاشمیان یک بار دیگر مصاحبه خودش به نفع رضا درویش را با دقت بخواند تا دلیل اتفاق تلخ پس از بازی با چادرملو را پیدا کند.

حالا وحید هاشمیان تجربه مشابهی را پس از بازی با چادرملو پشت سر گذاشته است؛ در حالی که شاید نداند یکی از دلایل این واکنش هواداران احساساتی به مصاحبه چندی پیش خودش برمی‌گردد.

در روزهایی که هواداران پرسپولیس انتظار داشتند خبر جذب یک مهاجم جدید منتشر شود، اتفاقات طور دیگری پیش رفت. گزینۀ‌هایی که وحید هاشمیان برای تقویت خط حمله معرفی کرده بود، یکی پس از دیگری منتفی شدند اما استقلال یکی پس از دیگری ستاره خرید تا فشار روی رضا درویش بیش از همیشه شود.

وحید هاشمیان اما برای برداشتن فشار از روی دوش درویش مصاحبه کرد و گفت: «پرسپولیس در زمانی که من نبودم خریدهای خوبی کرده است. زمانی هم که من آمدم با توجه به اینکه بسته شده بود سعی کردیم روی کیفیت برای جذب کار کنیم. با بازیکنان بسیار بزرگی صحبت کردیم و تمایل هم داشتند به اینجا بیایند. نام بازیکنان برای ما بازی نمی‌کنند و باید به داشته‌های خود هم اعتماد کنیم. در یکسری پست‌ها هم نیازمند بازیکن هستیم. اگر بازیکنی به ما بخورد

سرمرپی تیم پرسپولیس خودش را قربانی کرد تا رضا درویش مدیرعامل باشگاه را سفید کند!

کمتر کسی باور می‌کرد هواداران پرسپولیس که حساسی از وضعیت تیم محبوب خود شاکی هستند،

پس از بازی با چادرملو به سمت وحید هاشمیان بطری پرتاب کنند. برای خیلی‌ها این اتفاق عجیب بود اما

فراموش نکنید یحیی گل محمدی در لیگ بیست و دوم سه جام در یک فصل برای پرسپولیس گرفت.

سه، چهار ماه بعد و پس از شکست مقابل الدحیل حادثۀ عجیبی را تجربه کرد؛ یکی از عجیب‌ترین

چنجالی‌های دو سال پیش، پرتاب بطری به سمت

یحیی و ایستادگی او برابر هواداران خشمگین

پرسپولیس بود.

پرسپولیس در دیدار بر گشت مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا برابر الدحیل قطر قرار گرفت، بازی که سرنوشت صعود را مشخص می‌کرد اما پرسپولیس با نتیجه ۲ بر یک شکست خورد.

بعد از این باخت، هواداران خشمگین پرسپولیس به سمت یحیی گل محمدی بطری پرتاب کردند و یحیی نیز مقابل این بطری‌ها ایستاد.

استقلال حریف تیم ۱۰ نفره پیکان هم نشد و برابر این تیم به تساوی ۲-۲ رضایت داد.

مهم‌ترین تصمیم ریکاردو ساپینتو در دیدار با پیکان، یک خط عقب‌تر بردن دیدیه اندونگ و استفاده از او به عنوان مدافع مرکزی بود!

دیدیه اندونگ در پست غیر تخصصی هم ثابت کرد یک سرو گردن از سایر بازیکنان استقلال بالاتر است در حالی که به نظر می‌رسد این تیم به زودی ستاره آفریقایی خودش را برای مدتی از دست بدهد!

رقابت‌های جام ملت‌های آفریقا برخلاف بسیاری از جام‌های درون قاره‌ای به جای هر ۴ سال یک بار، هر ۲ سال یک بار انجام می‌شود، تاریخ برگزاری جام ملت‌های آفریقا در مراکش قرار بود تابستان ۲۰۲۵ باشد. با این حال برنامه‌ریزی فیفا باعث برگزاری جام‌جهانی باشگاه‌ها با قالب جدید باعث شده تاریخ این رقابت‌ها نیاز به تغییر داشته باشد. باتوجه به این اتفاقات، کنفدراسیون فوتبال آفریقا تایید کرد مسابقات قرار است در ۲۱ دسامبر ۲۰۲۵ (۳۰ آذرماه ۱۴۰۴) روز ۴ قبل از کریسمس آغاز شود و تا ۱۸ ژانویه ۲۰۲۶ (۲۹ دی‌ماه ۱۴۰۴) به پایان برسد.

در گذشته با توجه به اینکه جام ملت‌های آفریقا در فصل

تیم یکدست حسن رنگرز همه رکوردها را شکست

کوچینگ به جای پانتومیم

انتخاب شد و با بستن چمدان هایش از تهران راهی رباط شد تا یک ماجراجویی تازه را در این کشور آفریقایی آغاز کند.

رقابت‌های کشتی قهرمانی آفریقا به میزبانی اسکندریه مصر در خرداد ۹۴، اولین میدان بین‌المللی بود که رنگرز هدایت مراکشی‌ها را برعهده داشت. این تیم آفریقایی برای شرکت در این مسابقات اردوهایی را در تهران و نوشهر برگزار کردند تا با آمادگی کامل وارد مسابقات قهرمانی آفریقا در مصر شوند.

در این مسابقات تیم مراکش با رنگرز توانست یک مدال طلا، دو مدال نقره و سه برنز کسب کند و پس از مصر میزبان که با ۷۹ امتیاز قهرمان شد، با ۶۷ امتیاز به مقام نایب قهرمانی برسد. علاوه بر نایب قهرمانی، مراکشی‌ها پس از ۲۰ سال توانستند در کشتی‌فرنگی بار دیگر به مدال طلا برسند.

او سه سهمیه المپیک هم برای مراکشی‌ها گرفت و ... حالا فنی‌ترین کشتی‌گیر سابق جهان بدون ادا و اطوار و بر خلاف برخی‌ها کوچینگ واقعی کرد و پانتومیم بازی نکرد اما بهترین نتیجه تاریخ کشتی‌فرنگی ایران در مسابقات جهانی را به ثبت رساند.



حوادث

متهم در دادگاه ادعا کرد نقشی در قتل ندارد و مقتول را برق گرفته‌است

معمای مرگ رفیق در زمین زراعی

فاطمه شیخ علیزاده
دبیر حوادث

اوایل سال ۱۴۰۳ جسد مرد میانسالی به نام حیدر در اتاقک نگهدانی یک زمین زراعی در حاشیه تهران کشف شد. در حالی که مرگ حیدر مشکوک به نظر می‌رسید مأموران جنایی و کارآگاهان پلیس برای رسیدگی به ماجرا در محل کشف جسد حاضر شدند.

نخستین کسی که هدف تحقیقات جنایی قرار گرفت دوست مقتول به نام مجید بود که در زمان مرگ حیدر همراه او بود و موضوع را به اهالی روستا و اورژانس و پلیس اطلاع داده بود.

اولین تحقیقات

مجید در نخستین اظهارات خود به مأموران جنایی گفت: «من و حیدر از سال‌ها قبل با همدیگر دوست بودیم. این زمین زراعی متعلق به حیدر بود و روز حادثه برای آبیاری زمین با همدیگر به اینجا آمدیم. این زمین یک اتاقک خیلی کوچک داشت که تاسیسات برقی زمین آنجا بود. مسا وقتی وارد زمین شدیم متوجه شدیم که آب بالا نمی‌آید برای همین حیدر وارد اتاقک شد تا پمپ آب را روشن کند. من هم بیرون رفتم تا آب‌بان آن منطقه را پیدا کنم و از او علت بالا نیامدن آب را جویا شوم. حدود سی متری بیشتر از اتاقک دور نشده بودم و چند دقیقه‌ای طول کشید تا با آب‌بان حرف زدم و باز گشتم اما وقتی وارد اتاقک شدم دیدم که حیدر کف اتاقک افتاده بود و یک سیم لخت برق هم کنار دستش بود که متوجه شدم او را برق گرفته است. همان موقع بود که خیلی سریع موضوع را به پلیس و نیروهای امدادی اطلاع دادم و بعد هم با سروصدای من بود که آب‌بان و چند نفر دیگر از اهالی وارد اتاقک شدند تا اگر کمکی از دستشان برمی‌آید انجام دهند اما دیگر کار از کار گذشته بود و حیدر جان خود را از دست داده بود.»

مأموران جنایی بعد از ثبت اولین مشاهدات خود و همچنین تحقیق از شاهدان ماجرا، جسد را با دستور بازپرس جنایی به سردخانه پزشکی قانونی منتقل کردند تا در معاینات دقیق و آزمایش‌های لازم علت تامه فوت تعیین شود.

زن جیب‌بر در ایستگاه شلوغ مترو گیر افتاد

برسد، حلقه محاصره بسته شد و زن جوان در میان بهت و نگاه سنگین مسافران بازداشت شد.

در بازرسی اولیه، چهار گوشی تلفن همراه مسروق، ۴۰ سیم‌کارت و چندین کارت شناسایی متعلق به افراد مختلف او کشف شد. اعترافات اولیه‌اش نشان داد که او در ۱۵ فقره سرقت مشابه دست داشته است؛ تاکنون ۷ نفر از

مال‌باختگان شناسایی و برای شکایت به پلیس معرفی شده‌اند. این متهم در مواجهه با مأموران ابتدا سکوت اختیار کرده بود، اما ساعاتی بعد لب به اعتراف گشود و گفت مدتی است با این شیوه در ایستگاه‌های مختلف به سرقت دست می‌زند. هدفش بیشتر تلفن‌های همراه و مدارک شناسایی مسافران بود تا بتواند سیم‌کارت‌ها را جدا کند و گوشی‌ها را در بازارهای غیررسمی بفروشد.

فرمانده یگان انتظامی مترو در پایان با هشدار به شهروندان تأکید کرد: «مترو به دلیل شلوغی و ازدحام، یکی از مکان‌های مورد علاقه جیب‌برهاست. به مسافران توصیه می‌کنیم هنگام ورود و خروج از قطار، مراقب کیف و تلفن همراه خود باشند و از قرار دادن گوشی در جیب عقب شلوار یا در معرض دید خودداری کنند. سودجویان فقط چند ثانیه فرصت می‌خواهند تا اموال قیمتی افراد را سرقت کنند.»

زن جوان اکنون با پرونده‌ای سنگین از اتهامات، به دستور مقام قضایی روانه زندان شد تا تحقیقات بیشتری درباره جرایم احتمالی دیگرش انجام گیرد.



صادر شد آنها به نفع مجید شهادت داده و اعلام کردند که او در وقوع مرگ حیدر بیگناه است و روز حادثه در حال صحبت با آنها بوده که این حادثه رخ داده است.

اما بنا بر ادله و مدارک موجود و همچنین با توجه به شکایت اولیای دم یعنی همسر و فرزندان حیدر، پرونده مجید با صدور کیفرخواست به شعبه سوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شده و تحت رسیدگی قرار گرفت.

در دادگاه

در ابتدای جلسه رسیدگی اولیای دم بار دیگر با اعلام شکایت از مجید تقاضای قصاص او را مطرح کرده و اعلام داشتند که به عقیده آنها متهم برای فرار از مجازات اقدام به صحنه سازی بعد از جنایت کرده است چرا که او ابتدا سعی کرد مرگ حیدر را برق گرفتگی نشان دهد اما بعداً مشخص شد که حیدر به علت ضربه به سرش به کام مرگ فرو رفته است.

سپس متهم پای میز محاکمه رفت و در دفاع از خود گفت: «اتهامم را قبول ندارم. من و حیدر با هم دوست بودیم و هر چند مراودات مالی زیادی با هم داشتیم اما هرگز بین ما اختلافی وجود نداشت. روز حادثه با هم به زمین زراعی که متعلق به حیدر بود رفتم تا زمین را آبیاری کند و من می‌خواستم کمکش کنم. ما هر کدام با خودروی خودمان رفته بودیم و خودروی هر دوی ما تیگو هشت سفید بود. برای همین وقتی من ماشین خود را جابه‌جا کردم اهالی آن منطقه به اشتباه تصور کرده بودند که خودروی حیدر جابه‌جا شده است.»

متهم در مورد لحظه حادثه گفت: «من وقتی برای صحبت با آب‌بان بیرون از اتاقک رفتم و برگشتم دیدم که یک سیم لخت برق کنار جسد رفیقم افتاده بود. برای همین تصور کردم که او را برق گرفته است و با توجه به اینکه نسبت به این تصور مطمئن بودم، همین برداشت را هم به پلیس و بقیه گفتم. من خیلی شوکه شده بودم و قصد صحنه سازی نداشتم. نمی‌دانستم شاید علت فوت حیدر چیز دیگری باشد.» متهم در آخرین دفاع بار دیگر بر بیگناهی خود تأکید کرد و به این ترتیب قضات دادگاه برای صدور رای وارد شور شدند.



دستگیری یک مظنون

کارشناسان پزشکی قانونی بعد از معاینه جسد علت تامه فوت را ضربه سنگین به سر او عنوان کردند. به این ترتیب رسیدگی به این پرونده وارد فاز جدیدی شد و با توجه به ادله موجود مجید به عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد.

در حالی که فرضیه همدستی آب‌بان و یکی از اهالی منطقه با مجید نیز مطرح بود این دو نفر نیز به اتهام معاونت در قتل تحت بازجویی قرار گرفتند.

در ادامه تحقیقات مشخص شد که مجید از مدت‌ها قبل با حیدر مراودات مالی داشتند و با

